

تقدیرج مصداتی و هم کاسه کی او با مسعود جوی در

ترور سیاسی متحد، پاسخی به یاوه گوئی او

بِقلم : داود باقروند ارشد

تجربه تمام تاریخ نیز نشان داده که عدم پذیرش و تحمل انتقاد و نقد و دست زدن به ترور سیاسی و شخصیتی منتقد، بجای پاسخگویی همراه با استدلال منطقی، توسط هرکس که باشد، اگر فرد دست نشانده نباشد، حکایت از سیستم و تفکر استبدادی و تمامیت خواهی و استبداد رای و خود بزرگ بینی ناشی از خود شیفتگیهای حاد بیخردانه دارد.

این رویکرد به گردش درست افکار (با مکانیزم خطا و تصحیح از طریق نقد و انتقاد)، نه تنها بر ضد گسترش گفتار در جامعه و بسط خرد و خرد ورزی است، بلکه، راه را برای نفوذ و گسترش عقاید جعلی جهتدار مراکز مشکوک جهت تاثیر بر مسیر طبیعی افکار و به انحراف کشاندن آن در جهت سیاستهای و منافع مراکز قدرت باز میکند.

توهم بیخردانه ی، بی عیب و نقص بودن همه گفته ها و مواضع و حکمهای "من" در منابر منولگ چهار ساعته (بویره بابسته بودن امکان کامنت گذاری)، چه برای گوینده و چه برای شنونده بی تفاوت به این رویکرد ریشه در فرهنگ استبدادی دارد. چراکه تاریخ ایران و بشر نشان داده که، حاملین و حامیان چنین روشهایی، در صورت کسب قدرت، زبان منتقد را از حلقومش بیرون میکشند و در غیر اینصورت دست به ترور سیاسی و شخصیتی منتقد میزنند. بیماری و زخم کهنه مهلک بر تن جان ایرانی و ایران زمین با ریشه چندین قرنی که تا به امروز عامل درونی و فکری همه شکستهای حرکت رو بجلو ایرانیان بوده است

ایرج مصداقی و هم کاسه گی او با مسعودرجوی در ترور سیاسی منتقد، پاسخی به یاوه گویی مصداقی

اول آذر ۱۳۶۹ / ۲۱ نوامبر ۲۰۲۰

بقلم : داود باقروند ارشد

فهرست مطالب

۲	ایرج مصداقی و هم کاسه گی او با مسعودرجوی در ترور سیاسی منتقد، پاسخی به یاوه گویی مصداقی
۲	مقدمه
۳	ابهام زدایی
۳	نمونه های باز نشر مطالب مثبت مصداقی در سایت ما
۳	نمونه های قبلی تقدیمه مواضع ایرج مصداقی در سایت ما
۴	تلاش برای خراب شدن چهره مصداقی در انظار
۴	عدم تعامل سیاسی
۴	دلیل عصیت و توسل ایرج مصداقی به فحاشی و ابزار ترور سیاسی علیه محارزنده
۵	"ضدیت کوربا آمریکا" سی ادعایی مصداقی یا مخالفت با میلیتاریسم
۶	ایران، عراق و سابقه تاریخی این دولت
۶	فرح پهلوی و مراجعه به مراجع شیعه در نجف
۶	تناقض کویی مصداقی معرنی عامل بی ثباتی در مسقط
۷	افشاکری در مورد فرقه تنگین رجوی و قتل های ۶۷ نباید کسی را نسبت به مواضع ضد ملی، مبانی همان قتلها و ظهور رجوی کور کند
۸	ضد آمریکایی یا ضد میلیتاریسم
۸	معنی میلیتاریسم

- ۸..... نمونه ای از میلیتاریسم آمریکایی از زبان یک ستور آمریکا "آلبرت جی بورج".....
- ۹..... واقعا مصداقی میفهمد چه میگوید؟.....
- ۹..... اما در مورد داخل کشور رفتن تا به خارج کشور آمدن.....
- ۱۰..... سابقه تاریخی القاس مانده خواری استعمار به ایرانیان.....
- ۱۰..... اندر عدم تحمل سختی های تیغ.....
- ۱۱..... شخص کثافت کاری و تفاوت بریدگی مشکلاتی و بریدگی سیاسی.....
- ۱۱..... چرا بهبانی و مصداقی میخواهند ایرانیان پس مانده خوار آمریکا باشند.....
- ۱۴..... ناسیونالیسم مصداقی و بهبانی.....
- ۱۶..... حق کردن گسما.....
- ۱۷..... بهبانی و فیلم اکشن زندگی ژنرال مک مستر و مظلومیت میلیتاریتهای جهان و نتایج اخلاقی میهن تی وی.....
- ۱۸..... پانوشتها:.....

ایرج مصداقی و هم کاسه گی او با مسعود رجوی در ترور سیاسی منتقد، پاسخی به پاره گویی مصداقی

بقلم : داود باقروند ارشد

مقدمه

اوتللو به دزد مونا:

تو را میکشم که دوستت داشته باشم! [A]

این گفته شکسپیر بیان تلخ از حماقت و خود خواهی و کینه توزی ناشی از آن توسط امثال ایرج مصداقی هاست که کینه توزانه علیه تمایل مردم ایران میخواهند با نابودی ایران بدست آمریکا به اصطلاح ایران را نجات داده به خواسته های خود برسند. این بشرط و بفرض این است که هیچ "الودگی سیاسی" نیز در بین نباشند!!

چرا همه مبارزین داخل کشور مانند محمدنوری زاد (از امضاء کنندگان ۴ تن) از خون خود برای ایران مایه میگذارند تا مردم به خواسته هایشان برسند، اما خارجه نشینها امثال مصداقی از خون مردم مایه میگذارند تا خود به خواسته هایشان برسند؟ تفاوت در چیست؟ برای درک موضوع ادامه مطلب را بخوانید.

تجربه تمام تاریخ نیز نشان داده که عدم پذیرش و تحمل انتقاد و نقد و دست زدن به ترور سیاسی و شخصیتی منتقد، بجای پاسخگویی همراه با استدلال منطقی، توسط هرکس که باشد، اگر فرد دست نشانده نباشد، حکایت از سیستم و تفکر استبدادی و تمامیت خواهی و استبداد رای و خود بزرگ بینی ناشی از خود شیفته‌گیهای حاد بیخردانه دارد.

این رویکرد به گردش درست افکار (با مکانیزم خطا و تصحیح از طریق نقد و انتقاد)، نه تنها بر ضد گسترش گفتمان در جامعه و بسط خرد و خرد ورزی است، بلکه، راه را برای نفوذ و گسترش عقاید جعلی جهتدار مراکز مشکوک جهت تاثیر بر مسیر طبیعی افکار و به انحراف کشاندن آن در جهت سیاستهای و منافع مراکز قدرت باز میکند.

توهم بیخردانه‌ی، بی عیب و نقص بودن همه گفته‌ها و مواضع و حکمهای "من" در منابر منولگ چهار ساعته (بویژه بابسته بودن امکان کامنت گذاری)، چه برای گوینده و چه برای شنونده بی تفاوت به این رویکرد ریشه در فرهنگ استبدادی دارد. چراکه تاریخ ایران و بشر نشان داده که، حاملین و حامیان چنین روشهایی، در صورت کسب قدرت، زبان منتقد را از حلقومش بیرون میکشند و در غیر اینصورت دست به ترور سیاسی و شخصیتی منتقد میزنند. بیماری و زخم کهنه مهلک بر تن جان ایرانی و ایران زمین با ریشه چندین قرنی که تا به امروز عامل درونی و فکری همه شکستهای حرکت رو بجلو ایرانیان بوده است. <https://www.nototerrorism-cults.com/?p=19026>

ابهام زدایی

لازم است عطف به این زخم کهنه و چرکین ایرانیان (جنگ و دندان فکری نشان دادن در مقابل نقد) و جهت کمک و عدم تحریک خوی وحشیگری فکری بسیاری امثال مصداقی و رجوی، عنوان شود، نگارنده اساسا هیچگاه قصد تخریب هیچ کس را نداشته و ندارد. تمامی نقد ما چه از خود [B] و چه از دیگران و حتی افشاگرها در مورد مسعود رجوی و فرقه اش اولاً به این جهت است که او مستبدانه هرگونه فضای نقد را چه در درون و چه در بیرون از فرقه اش را با برجسب مزدوران دشمن، تهدید، زندان، شکنجه و قتل بسته است تا بر جنایاتش سرپوش بگذارد. ثانیاً همانطور که قبلاً نیز به کرات توسط این قلم گفته و نوشته شده، به حکم وظیفه و دین ای که نسبت به مردم ایران بخاطر نقشی که اگر نه در ظهور بلکه در تداوم خیانتکارانی همچون مسعود رجوی و دارو دسته اش برگردن امثال این قلم است میباشد. و همواره به این امر در هر فرصتی اشاره کرده است. تا با انتقال تجارب تلخ و خونین از جنایات انجام شده در این فرقه و توسط این فرقه علیرغم همه سرو صداهای دمرکراسی خواهانه و دادخواهانه و لیست شهدا و ... همچون خود مصداقی و دادن گزارش به مردم ایران بویژه به نسل جوان کشور، و از رهگذار آن شاید بیاموزند که اگر میخواهند در بهاران آزادی سر آزادی دوباره توسط هوچیهای دمرکراسی خواه امروز، بریده نشود، تحت هیچ شرایطی نگاه انتقادی را کنار نگذارند و نقد ناپذیری را در نزد صادقترین افراد بعنوان جوانه های خطرناک دیکتاتوری و استبداد در هرکجا که باشد افشا و رد کنند. مسعود رجویها در بستر جامعه و مناسباتی که انتقاد را با فحاشی، سرکوب، ترور سیاسی و ... منتقد پاسخ میدهند رشد میکنند، و فاجعه میآفرینند .

شاهد مدعا اینکه همواره هرگاه از ایراج مصداقی موضع درستی مشاهده شده علیرغم اینکه با همه مواضع نگارنده هم منطبق نبوده، مورد تشویق و حمایت قرار گرفته و باز نشر شده. ضمن اینکه هرگاه نیز خطای عمده و یا موضعی غلط و ضد ایرانی و آلوده به استبداد اتخاذ کرده اند مورد نقد واقع شده است. و ایراج مصداقی از همه آنها چه طی ایمیلها یا خصوصی و چه طی مقالات و نوشته‌ها مطلع است. در زیر تنها نمونه ای از این ادعا آمده است. جهت سنجش صحت و سقم آن کفیبست نام ایرج مصداقی را در [سایت نه به تروریسم و فرقه ها جستجو کنید \[C\]](#) .

نمونه های باز نشر مطالب مثبت مصداقی در سایت ما

- جنایات تکاندنده جدیدی از مسعود رجوی علیه نزدیکانش " مادر عالمه" و تلاش برای سرپوش گذاشتن بر همزوابگی رجوی با زنان....
- مال یا چیزی را که خداوند آن مرده باشد و تذکر ایرج مصداقی...
- چرا سیستم ناتوان از حل مسئله فساد سیستماتیک است؟ - نمونه ولی فقیه و نماینده اش در گیلان ایرج مصداقی...
- چرا مسعود رجوی شهادت دادن مجاهدین در دادگاه سوئد علیه حمید نوری را ممنوع کرده است؟...
- نامهای شریانی نماینده‌ی مریم رجوی به «کانون دوستداران فرهنگ ایران» در واشنگتن

نمونه های قبلی نقد به مواضع ایرج مصداقی در سایت ما

مسلح کردن دمرکراسی یا مسلح شدن به دمرکراسی
ایرج مصداقی: "اگر بین ایران و آمریکا جنگ شود من در کنار هیچکدام نمی ایستم."
ماهواره ای که پرتابش صفوف دوست و دشمن را روشنتر کرد، نقدی بر مواضع ایرج مصداقی
شاهد دیگر اینکه، در ۲۵ مارس ۲۰۲۰ ایمیل زیر از جانب سایت "نه به تروریسم و فرقه ها" برای مصداقی جهت کار مثبتی که فکر میکردیم او انجام داده بود، ارسال شد.

با درود و تبریک بمناسبت عید نوروز
آقای مصداقی

بخاطر مقاله افشاگرانه در مورد جنایاتی که علیه مادران توسط مسعود رجوی اعمال شده تشکر و قدر دانی میکنیم.
این گونه افشاگرها به تعداد تمامی کسانی که به نوعی مستقیم و غیر مستقیم در ارتباط با مسعود رجوی قرار گرفته اند وجود دارد. به امید آنکه همه کسانی که از جنایات مسعود در سینه دارند بیرون بریزند تا تابلو جنایات این زوج ضحاک مدرن!!
ایران تکمیل شود.

با تشکر مجدد
نه به تروریسم و فرقه ها

تلاش برای خراب نشدن چهره مصداقی در انظار

یا وقتی اوایل انتشار خبر ترور محمدرضا کلاهی، ایرج مصداقی که از طرف حساب قرار نگرفتن توسط رسانه ها بسیار عصبانی بود، اطلاعات غلط در مورد هویت اصلی علی معتمد، علیرغم نداشتن اطلاعات آن منتشر میکرد و در گفتارش یک ایرانی بنام آقای مرتضی صادقی را که مورد مصاحبه صدای آمریکا قرار گرفته بود را بباد تهمت گرفته بود. دلیل مصداقی برای تهمت زد به صادقی هم این بود که اگر حرفهای صادقی درست بود "من" (ایرج مصداقی) خبر داشتم!! اگر من خبر ندارم پس او دروغ میگوید!! و میخاهد خودش را مطرح کند!!

در صورتیکه طبق اطلاع دقیق (کسانیکه سالها روزانه با محمدرضا کلاهی کار کرده بودند)، اتفاقا مرتضی صادقی با همان تحقیقات کمی که کرده بود کاملا دقیق فهمیده بود که که متقول محمدرضا کلاهی است و مصداقی بود که در توهم "من" همه چیزدانی خود، اشتباه میگفت و اینگونه با تخریب صادقی خود را مطرح میکرد. برای این قلم روشن بود که چند روز دیگر حقایق آشکار خواهد شد و جز روسیاهی برای مصداقی چیزی باقی نمیماند، از همین رو طی ایمیلی دوستانه (یا در فیس بوک مصداقی) جهت جلوگیری از تخریب چهره اش به وی تذکر داده شد که چرا خودت را خراب میکنی مگر هر چه تو نمیدانی پس وجود ندارد؟ چرا فکر میکنی تو همه چیز را میدانی؟

در صورتیکه اگر مصداقی کمی به شعور خود و مخاطبین خود احترام قائل بود، میتوانست بگوید طبق تحقیقاتی که من کرده ام مثلا از بعضی جدا شدگان و ... میگویند که خیر علی معتمد کلاهی نیست. ولی مصداقی نه تنها به منابع تحقیقی اش (بعضی از جدا شدگان) اشاره نمیکرد بلکه بسیار کودکانه و خودنکرانه، نظرش را نقطه پایانی بر قطعیت رد تحقیقات بسیار درست مرتضی صادقی که صادقانه همه منابع تحقیقی و مسیر پیموده شده را عنوان میکرد میگذاشت. رویکرد خرده پا گرایانه در رقابت سیاسی و خود نمایانه به مسائل سیاسی آنهم در امر جنایی در مورد کسی که مصداقی، مقتول فرقه رجوی (عامل ترور هفت تیر) را سابقا اساسا ندیده بود.

یکبار هم به اف بی آی ایراد میگرفت که نمی دانم چرا نمی آیند از "من" سوال کنند!!! البته مصداقی بعدها با گفتن اینکه اعضای سابق مجاهدین به او این اطلاعات را داده اند که فرد مربوطه کلاهی نیست. یا رجوی افراد مختلفی بعنوان کلاهی در درون تشکیلات معرفی میکرد تا رد کلاهی را گم کند. البته این تصور هم صحت ندارد) و فرقه رجوی هیچگاه چنین کاری نکرده اند. البته بعدها وقتی قضیه رو شد مجبور شد به اشتباه خود اعتراف کند. اینجا

بنابراین در یک فضای سالم خطا و تصحیح چه در زمینه تحلیل و دادن اطلاعات و یا نمایش "من"یت مخرب استبدادی، که قطعاً برای همه میتواند پیش بیاید، ایرج مصداقی از همه تبادل فکری و کمکهای اطلاعاتی و ... در ظرفیت این قلم، طی ایمیلهای خصوصی و یک بار نیز حضوراً توسط این قلم سود برده و مطلع شده است.

عدم تعامل سیاسی

در سخنرانی نگارنده در کنگره سکولار دمکراتها در سال ۲۰۱۷ در کلن آلمان با تجربه ۴۰ سال در کار سیاسی ... در توصیف جامعه دیکتاتور زده و دیکتاتور پرور و دیکتاتور پرست و دلیل شکستهای سریالی چهل سال گذشته، این چنین آمده است:

این تلاشها [خود محوری و ترور منتقد و دگر اندیش] در میان اپوزیسیون نه بدلیل منافع جامعه و مردمی که بطور کامل از آن قطع هستند، بلکه بدلیل همان ویژگی خود محوری و خود حقیقت پنداری است. [کسانیکه] خود را "نه تک قطعه ای از کل پازل سیاسی جامعه"، که "کل تابلو سیاسی ایران" میندازند و میخواهند. قطعاً در این دستگاه فکری تمامیت خواه، اولین اشتباه ش را آخرین اشتباه تلقی کرده و همه چیز تحت الشعاع حفظ خود قرار میگیرد. با شنیدن اولین انتقاد [بجای پاسخگویی و بازنگری در اندیشه ها و مواضع] عنان از دست داده و با نصار انواع ناسزها و مارکها بدنبال نیست و نابود کردن انتقاد کننده هستند. ولی از آنجا که در صحنه عمل واقعی خطا اجتناب ناپذیر است، تمامیت خواهی و عدم صداقت آنها را به لاپوشانی، دروغپردازی، وارونه گویی و سرکوب و حذف (ترور سیاسی و شخصیتی) منتقد کشانده و از مردم و فعالین سیاسی جدا و ایزوله میکند. همین ایزولاسیون و تمایل به یکه تازی در صحنه سیاسی و در تشکیلات و جامعه و نبود هیچ ندای سوال کننده (سلحشور) و منتقد [بعلاوه صدها فالور عقل و خرد و پس نهاده] و با کور کردن تمامی چشمان نظاره گر در پس دیوارهای آهنین، راه را برای هر انحرافی و سر بیرون آوردن از بند و بست های وطن فروشانه بایبگانگان از یکطرف و فساد سیاسی تشکیلاتی و اخلاقی باز میکند. و از هر اتحادی جلوگیری میکند

(سخنرانی نگارنده در کنگره سکولار دمکراتها در سال ۲۰۱۷ در کلن آلمان)

جوهره حرف این است که فضای سیاسی ایرانیان مملو است از انبوه عقده های فروخورده و فردیتهای سالم سرکوب شده (در مورد مصداقی مدتی در زمان شاه، مدتی در زندان اوین و از همه مهمتر به شدیدترین وجه توسط فرقه رجوی) ناشی از فرهنگ خشونت و سرکوب اجتماعی و سیاسی ایران طی قرون و اعصار است. که امروزه بصورت اینگونه خشونت کلامی، عدم تحمل، خود بزرگ بینی انفجاری و لجام گسیخته ... که توسط بوقهای شناخته شده استعماری بر ضد منافع مردم ایران بسیار نیز پر و بال داده میشوند، تکرار فاجعه شکست مشروطه، روی کار آوردن رضا خان، کودتای علیه مصداق، و آنچه بسیاری اشتباه در انقلاب ۲۲ بهمن مینامند بکار گرفته شده و میشوند را در چشم انداز قرار میدهد.

دلیل عصبیت و توسل ایرج مصداقی به فحاشی و ابزار ترور سیاسی علیه نگارنده

نگارنده قبلا نقدی را نسبت به موضوع: اگر آمریکا به ایران حمله کند من (ایرج مصداقی) بی طرف می ایستم. اگر هم درگیری اتفاق بیفتد من منتظر می شوم تا با برنده جنگ تعیین تکلیف کنم!!! اگر هرکس شعار علیه امپریالیسم بدهد بنفع رژیم است. <https://youtu.be/xuz4V6GrSu8?t=2754> ایرج مصداقی، نوشته که در سایت نه به تروریسم و فرقه ها منتشر شد. در قسمتی از نقد موضع وی اینجا گفته شد:

با وجود اینکه [اینگونه افراد] عمیقا اعتقاد دارند اگر جنگ شود ایران در نهایت شکست خواهد خورد، رندانه بی طرف میشوند. تا دم خروس همرایشان با آمریکا در سرنگونی و تحویل دادن کشور به آنها، را مخفی کنند. چون اگر اعتقاد داشتند ایران شکست نمیخورد و در نتیجه رژیم قدرتمندتر از آن بیرون میآید حتماً به نفع آمریکا موضع گیری میکردند و در سمت آمریکا میجنگیدند. همانگونه که تشکیلات فرقه رجوی بیست سال در سمت عراق علیه مردم ایران جنگید.

بخشی از نقد به یک موضع ایرج مصداقی

ایرج مصداقی در ادامه همین مواضع، موضوعی بسا حد تر از این که نشانه های بسیار بدی از آن ساطع میشد را اتخاذ کرد که آن نیز نقد شد که در زیر آمده است، ولی وی در واکنشی عصبی همچون فرقه رجوی، همراه با فحاشی و دروغگویی بدون پرداختن به محتوای نقد، نگارنده را ضد آمریکایی (بعنوان ویژگی اصلی!!)، بزدل، فراری از صحنه (آنهم از صحنه تیف!!!)، تظاهر به ناسیونالیسم! و اینکه اساسا نیمداند فاشیسم چیست، متهم کرد. ای کاش او که میدانست فاشیست چیست!! و چرا این نقد غلط است و چرا مواضعش (درخواست کشتار مردم عراق از آمریکا) درست است حرف میزد و توضیح میداد تا اینکه منتقد را ترور سیاسی و شخصیتی کند. خود فحاشی ها به نگارنده اساسا مهم نیست، بلکه اینکه دارنده چنین روحیه ای در قدرت چه بلایی بر سر مردم میآورد است که خطرناک است و باید به آن توجه کرد.

تاریخ خود ما ایرانیان پر از یارادان قلی هایی است که حتی از کشتار نزدیکترین یاران و نزدیکانشان نیز دریغ نکرده اند.

شاملو

"ضدیت کور با آمریکا"ی ادعایی مصداقی یا مخالفت با میلیتاریسم

مصداقی که تفاوت ضدیت کور با آمریکا بعنوان یک کشور، یک ملت و یک تمدن در جهان، که همچون بقیه کشورها قابل احترام است را با مخالفت با میلیتاریسمی که سرمداراش بعضی جناحهای آمریکاست و باعث و بانی مرگ میلیونها انسان در سراسر جهان بوده و هست را نمیداند و یا اساسا برایش مهم نیست. میلیتاریسمی که حتی توسط دیگر کشورها از جمله اسرائیل و عربستان... و اخیرا ترکیه نیز بدان دامن زده میشود. و آنرا در ویتنام، جنگ کره، در آمریکای لاتین، در افغانستان، کودتای ۲۸ مرداد، به یغما بردن منابع عظیم کشور در دوران محمدرضا شاه پهلوی، در نابودی و شخم زدن عراق، لیبی، یمن، سوریه، لبنان، و امروزه در لشکر کشی به لیبی... نشان میدهد. با مخدوش جلوه دادن ایندو محتوا، موضع خودش "دروغگونه جنگ احتمالی من کنار میایستم و با برنده جنگ ایران و عراق تعیین تکلیف میکنم!!!" در حمایت و بکارگیری میلیتاریسم در حل و فصل مسائل سیاسی را لاپوشانی میکند.

متأسفانه همانگونه که در نقد نگارنده پیش بینی شده بود، آنچه ایرج مصداقی در آن موضعگیری حرف قلبی خود را نزد، اینبار آشکار میزند و مشخص میکند که تعیین تکلیفی که میخواست با برنده جنگ!!! بکند چیست آنجا که میگوید:

اگر من جای آمریکا بودم بلافاصله با تمام قوا تمامی نیروهای متمایل به رژیم را [حشد الشعبی، عصائب اهل الحق، کتائب اهل حق] در عراق را نابود میکردم. باید نابود کنند.

سخنان مصداقی در میهن تی وی

<https://www.youtube.com/watch?v=FNdr9TOrcs&feature=youtu.be&t=9283>

لینک جهت مشاهده:

سیاست بازی و قدرت طلبی که لازم و ملزوم هم است، کار کسی است که لزوماً برای حیات ذی روحی حارمتی قائل نیست. و از دروغ بافتن و حيله وری و ویرانی و کشتار حراصی ندارد. شاملو

آشکارتر از این میشود از میلیتاریسم دفاع و حمایت کرد. وطنی یک دلالی جنایتکارانه با التماس از آمریکا خواست که جوانان عراق را نابود کند و "باید بکنند؟" چرا که نیروهایی که باید نابود شوند متمایل به ایران هستند! این است تعیین تکلیف مصداقی با برنده جنگ؟

درک شنونده از "تعیین تکلیف" با آمریکایی که بقول آقای محمدرضا روحانی عضو سابق شورای ملی مقاومت، وقتی به جنگ با ایران میرود یعنی "ریختن بمبهای قرن بر سر ایرانیان"، و مصداقی وانمود میکند در این رابطه بی طرف است!! چیست؟ در مقابل اما از آمریکا میخواهد که برایش عراقی هائیکه مخالف حضور اشغالگرانه آمریکا در کشورشان عراق هستند را برایش نابود کند. چه معنایی دارد؟ مصداقی ای که هنوز فضا را مناسب اینکه مانند رجوی بگوید برو و ایران را نابود کن نمیداند.

براستی نباید از کسی که افتخار میکند در جنگ آمریکا با ایران بی طرف است! سوال کرد، دیگر ایران چه ربطی به تو دارد؟ برو و دلالت را برای کشتار های میلیتاریستها در جاهای دیگر بکن. و ضدآمریکایی ها را برایش شناسایی کن.

دریک عنان از دست دادن در قبال یک انتقاد، و فحاشی به منتقد، مصداقی در مورد کاریکه آمریکا با اشغال تجاوزکارانه عراق کرده و اثرش بر خود عراق و ایران که در قسمتهای مختلف گفتارش عنوان کرده را بخوانید .:

آمریکا حمله کرده به عراق، این از فرقه رجوی جدا شده، آمریکایی که چی کار کرده؟! عراق را شخم زده است. دولت صدام حسین را سرنگون کرده... دولت صدام حسین که در مقابل بنیادگرایی بود، دولت سکولار بود. دیکتاتور بود، دیو بنیادگرایی را کرده بود توی قوطی... اینهمه بدبختی که در عراق است. اگر در عراق ثبات و امنیت نباشد یعنی در ایران هم نمیتواند باشد. ما همه بهم پیوسته ایم. ما نمی توانیم رشد بکنیم. درجائیکه عراق درش نا بسامانی و بد بختی باشد. همه این منطقه سرنوشت مشترکی دارد.

مصداقی در گفتگو با میهن تی وی

آیا همین استدلال خود مصداقی که بظاهر برای محکومیت نگارنده است، بخوبی بیان نمیکند که همه عراقیان میهن پرست، حق دارند با تجاوز آمریکا به کشورشان و نابودی آن یا به قول مصداقی "شخم زدن آن" مخالف بوده و بخواهند که به این تجاوز و شخم زدن که توسط تمامی بشریت چه در سازمان ملل و چه بصورت تک کشور عضو مخالفت و محکوم شد را خاتمه دهند؟ آنوقت خواست ایرج مصداقی برای نابودی همان جوانان با غیرت عراقی توسط آمریکایی که کشورشان را نیز نابود کرده است، جز فاشیسم درنده ترین و وحشی ترین جناحهای آمریکا را نمایندگی میکند؟ مصداقی یا مطلقاً نمیفهمد چه میگوید، و از بس توهم او را برداشته و متأسفانه این توهم با تعداد بیبنده های خرد وانهاده اش باد کرده که فکر میکند میتواند دهانش را باز کرده و هر خز عبلی را بیان کند بدون اینکه فکر کند حتی علیه مواضع خودش است.

ایرج مصداقی بعد از پرتاب ماهواره به فضا!!! توسط رژیم به پیش بینی نگارنده جامعه عمل پوشاند. وی که هویت ملی نیروهای عراقی ناشی از شرایط خاص عشیرتی عراق همچون حشد الشعبی، عصابت اهل الحق، کتائب اهل حق ... [D] را که خواهان پایان اشغالگرانه کشورشان توسط آمریکایی که به تائید خود مصداقی عراق با ثباتشان را شخم زده و نابود کرده است میباشند را نادیده میگیرد. وقیحانه به آمریکا مجوز مباران و نابودی همان مردم و جوانان عراقی در این نیروها را صادر میکند. ظاهراً با آنچه آمریکا در زمان جنگ خلیج "با شخم زدن و بی ثبات کردن عراق و در نتیجه بی ثبات کردن ایران [E]" و منطقه و ... انجام داده راضی نیست. و از جانب آمریکا و اسرائیل و عربستان این نیروها را بنیادگرا و قابل نابود شدن قطعی جلوه میدهد. وقتی از مواضع فاشیستی او انتقاد میکنیم یعنی همین.

ایران، عراق و سابقه تاریخی این دولت

مصداقی هویت عراقی نیروهایی همچون حشد الشعبی و کتائب حزب الله، ... که بخشی قانونی از ساختار نیروهای مسلح عراق و وابسته به فرمانده کل نیروهای مسلح آن کشور است [F] را که خواهان پایان حضور اشغالگرانه هستند را نادیده میگیرد. نفوذ ایران در میان سیاستمداران و مردم عراق ریشه تاریخی، فرهنگی، مذهبی، سیاسی، همسایگی و اقتصادی هزار ساله دارد. منطقه عراق در دوران قاجار از ایران جدا شد. کشور عراق که بعد از فروپاشی دولت عثمانی در جنگ جهانی اول تحت نفوذ انگلستان بوجود آمد. بسیاری از فرزندان و بزرگان ایران زمین در نجف و کربلا و سامرا و ... زندگی و تحصیل کرده اند. سه مرجع اصلی شیعه عراق در نجف عامل عمده در تحمیل امضای مشروطیت به مظفرالدین شاه و دادن روحیه مقاومت به ستارخان با دادن فتوای مقدس بودن مبارزه ستارخان و مشروطه خواهان با حمایت تمام عیار از او برای ایستادن در مقابل مزدوران اجنبی آن زمان و محمدعلی میرزا بوده است که بدون آن حمایت قطعا تبریز آخرین و شاید تنها سنگر مشروطه خواهی ایران فرو میریخت [G]. طوریکه ستارخان همواره میگفت "من حکم علمای نجف را اجرا میکنم" و اینگونه هم خود انگیزه میگرفت و هم به "نه ناسیونالیستها" که به وطن پرستان برای مقاومت روحیه میداد.

فرح پهلوی و مراجعه به مراجع شیعه در نجف

فرح پهلوی نیز برای نجات شاه از سقوط، شخصا به نزد مراجع شیعه در نجف رفت و از آنها خواستار حمایت مذهبی برای شاه شد [H]. بسیاری از مردم عراق ایرانی الصل هستند. حضور قبور امامان شیعه در عراق و ایران به این رابطه دوطرفه ضریب چند برابر زده است. قرن‌ها ما یک کشور واحد بوده ایم. جنگ هشت ساله، و سرکوب اکثریت شیعه آن کشور توسط دولتهای حاکم بر عراق همچون صدام دلایل دیگر نزدیکی اکثریت شیعه به ایران بوده و هست. بسیاری از عراقیان با تجاوز صدام با مجوز آمریکا به کشور، به ایران پناهنده شدند و یا صدام آنها را به ایران اخراج کرد. بسیاری از آنها بر علیه تجاوز صدام در کنار سربازان و جوانان ایرانی در دفاع از خاک کشور جنگیدند و کشته شدند. اینها صرفاً حقایق تاریخی هستند و تائید و رد چیزی نیست.

تناقض گویی مصداقی معرفی عامل بی ثباتی در منطقه

البته منافع قطعی ایران در با ثبات ماندن عراق بدلیل بی ثباتی که مصداقی خودش اعتراف میکند که با شخم زدن عراق توسط میلیتاریسم آمریکا و ادامه حضور اشغالگرانه ایجاد و تداوم مییابد که ثبات ایران را هم بهم میریزد، انکار ناپذیر است. هیچ دولت مستقلی نمیتوانست نسبت به این بی ثباتی و عوامل آن بی تفاوت باشد. چه بسا نیروهای عراقی برای دفاع از کشورشان و بازگشت ثبات به آن براساس اخبار نه چندان قابل اعتماد حاضر در رسانه ها کمک مالی... هم از ایران دریافت میکنند. که رسانه های مرتبط با میلیتاریسمهای اشغالگر آنها توسعه طلبی ایران وانمود میکند، تا بدرستی مقابله ایران با بی ثباتی ناشی از تجاوزش آمریکا به عراق و اشغالگری خود آمریکا. و باز هرچند در بعضی تظاهرات داخل کشور در مقاطع مختلف شعار های عدم رضایت از این نوع حمایتها مالی ایران به نیروهای میهن پرست عراق در دفاع از کشورشان ابراز شده است، که دلپلی برای نامشروع بودن آن نیروها در کشور خودشان و صدور مجوز کشتارشان توسط دلالان میلیتاریسم، بدست آمریکا نیست و نمیتواند باشد. آنچه که میلیتاریستها تلاش میکنند مردم عراق خواستار پایان اشغالگری کشورشان را با مارک بنیادگرا و با دلالی امثال مصداقی ها به بهانه حمایت ایران و یا توسعه طلبی ایران از اعتبار خارج کرده در فرصت مناسب نابودشان کنند.

در سیاست بین الملل، حمایت از نیروهای دیگر کشورها در تامین منافع خود، گذشته از درستی و غلطی آن، امری شناخته شده است. که مقام سردمدارای آن و جنایتکارانه ترین اشکال بکارگیری آن، نه همچون ایران برای دفاع از نفوذ دشمنی در مرزهایشان در همسایگی کشوری شخم خورده توسط آمریکای که از ۱۲ هزار

کیلومتر آنطرفتر آمده، و بی ثباتی ناشی از این تجاوز به کشور همسایه اش عراق در ایران (همانگونه که خود مصداقی بشدت بر این اثر بی ثبات کننده شخم خوردن عراق توسط آمریکا در ایران تاکید میکند)، بلکه همچون آمریکا هزاران کیلومتر آنطرف تر دست به چنین اقداماتی میزند آنهم با مقاصد استعماری، و کشتار، مانند بکار گیری ۳۲۰ هزار نیروی کره ای در ویتنام توسط آمریکا علیه ویتنام شمالی، بکارگیری ارتش ایران شاهنشاهی در زمان محمد رضا شاه در ویتنام، و با راه اندازی و بکارگیری داعش (به بیان آشکار خانم کلینتون وزیر خارجه ایالات متحده) و انداختن آنها بجان مردم منطقه و بویژه عراق وتلاش برای تصرف آنکشور با پولهای عربستان و قطر و... که همین جوانان عراق که باید از نظر مصداقی قتلعام شوند، با حمایت ایران نیروی عمده بازدارنده آن بودند، و صدها نمونه دیگر متعلق به میلیتاریستهای آمریکاست.

در این زمینه ایران (تا آنجا که خود مصداقی اعتراف میکند)، درحال کسب ثبات و دفاع در مقابل عامل بی ثباتی خود یعنی آمریکا است. هر حکومتی هم بود باید چنین میکرد. این مستقل از موضع ما و هرکس در مورد رژیم ایران است. مگر همدست آمریکا باشید که از تلاشهای ایران در مقابله با بی ثباتی عراق توسط حضور آمریکا مخالفت کنید.

افشاگری در مورد فرقه ننگین رجوی و قتل‌های ۶۷ نباید کسی را نسبت به مواضع ضد ملی، مبانی همان قتلها و ظهور رجوی کور کند

هرچند در نقد مصداقی نگارنده تلاش کرد ضمن جلوگیری از غلطیدن بیشتر او به مواضع بسا ضد میهنی تر، وی را نسبت به آنچه از نظر این قلم ضد میهنی است آگاه کند. متأسفانه با خود محوری و خود بزرگ بینی و فضای منابر منولوگی که در بکارگیری ایرج مصداقی توسط رادیوها و رسانه های معلوم الحال خارج کشوری که حرفشان را برایشان میزند چنان او را از خود بیخود نموده است که اجازه هرگونه نقد پذیری را از او گرفته است. و این منم بزرگ شده مهاجم به جایی رسیده که نقد به یک موضع را معادل حذف تمامیت خود دانسته و عنان از کف داده و چنگ و دندان نشان میدهد.

طوریکه در پاسخ به نقد این قلم در اوج نخوت و خود بزرگ بینی بجای بحث و تشریح و دفاع از مواضعش ضمن استفاده از ابزار پوسیده و خاک گرفته ترور سیاسی مسعود رجوی علیه منتقدینش، در تمام ۱۱ دقیقه واکنش عصبی به فحاشی، دروغ بافی، تخریب و ترور سیاسی علیه این قلم پرداخت. تا خود را در پس این داد و قال از پاسخگویی به مواضع شبه فاشیستی خود برهاند.

هرچند این موضع ایرج مصداقی دنباله طبیعی سراسیمگی است که منتهاست در آن با تمایل به سلطنت، تمایل به مشاور رضا پهلوی شدن، رد هرگونه مخالفت با میلتاریسم آمریکا با مارک ضد آمریکایی، بی طرفی در قبال حمله نظامی به میهن، حمایت از تحریمها، ... در غلطیده، ولی اولین بار است که آشکارا با این میزان از وقاحت (انشالله فقط ناشی از جهل و خود بزرگ بینی باشد تا مسائل دیگر!) بیان میشود. که قبلا بشکلی شرمگینانه بیان کرده بود.

مصداقی نقد ناپذیری و تفکر استبداد رای را با این جمله عنوان کرد که:

آیا اینها کسی هستند که میتوانند ذره ای روی من تاثیر بگذارند؟ منو از راهم باز دارند؟ حاشا و کلا!!!
مصداقی

باید از مصداقی سوال کرد شما هنوز رساله ای نداری! مقام مرجعیتان نیز در هیچ حوزه ای به تائید نرسیده. این منم و عدم تحمل نقد نه حتی قبول اشتباه، از کجا ناشی میشود؟ او اینگونه آشکارا نشان میدهد که متأسفانه آنچه از مسعود رجوی و تاریخ استبدادی سلطنتی ۲۵۰۰ ساله ایران که مدتی است بدون هیچ دلیل و توضیحی شرمگینانه مدافع آن شده است، به ارت برده است، هما استبداد رای و خود محوری است که خواه نا خواه ضد دمکراتیک، ضد میهنی و متأسفانه اجنبی پرستانه است. که امیدواریم با تائیدی که بر مواضع مجری میهن تی [۱] که در دنباله مطلب میخوانید، میگذارد، کارش به جاهای باریکتر کشیده نشده باشد. آنها که سرسوزنی علاقه به تکرار نشدن فاجعه رجوی و قتل‌های زنجیره ای و ساله ۶۷ دارند این مواضع بهبهانی و مصداقی را در زیر بخوانند.

آیا همه خارج کشورهای پای منبر مصداقی انگشت به دهان نیستند که او پدرستی کتابها علیه استبداد رای مسعود رجوی، عدم پاسخگویی به نقد و انتقاد، عدم بیان اینکه اشتباه کرده ام و بکارگیری ابزار ترور سیاسی منتقدین توسط رجوی با آن بد و بیضای بزرگ شده توسط حمایت عراق، عربستان، اسرائیل و آمریکا علیه کشور، منتشر کرده است، چرا خود به چنان فقر و فلاکت استدلال در مقابل یک نقد به یکی از مواضع رسیده و یا آن منم هیولایی استبدادی درونی بزرگ شده توسط چند لایک چنان تنوره میکشد که مجبور میشود از همان ابزار مسعود رجوی برای بیرون کشیدن زبان از حلقوم منتقد با ترور سیاسی و شخصیتی او، استفاده کند؟ و بسراغ و اژه ها و شیوه شازده های قاجار همچون:

ای مگس عرصه سیمرخ نه جولانگه توست عرض خود میبری و زحمت ما میداری!!! مردک/حقه باز / پارو/ لگد پرانی / اینها که عددی نیستند، حقه باز!!!

علیه نگارنده میرود؟

آیا مگر این عین رویکرد مسعود رجوی به دیگران و هر نقدی از خودش نیست؟ طوریکه نمیشود فهمید این کلمات متعلق به امثال ایادی رجوی است که سالهاست علیه حتی خود مصداقی و دیگر منتقدین بکار میرود یا کسی که مدعی است مخالف این رویکرد رجوی است که علتش خود و وطن فروشی رجوی و دست داشتن در هزاران قتل است. اما مصداقی ها چرا؟

رویکرد استبدادی مسعود رجوی قابل درک است، چون دست در خون هزاران انسان دارد، چون مجبور است خط و خطوط و سیاستهای اربابانش را که فکر میکند قول بقدرت رسیدن را به او داده اند را به اجرا بایبگذارد، با چون خود را در درون فرقه اش امام و فرستاده خدا و عاری از اشتباه معرفی میکنداست که میتواند پاسخگوی هیچ یک از اعمال و گفته هایش نباشد. اما مصداقی ها چرا؟

کمی به ۱۱ دقیقه لجن پراکنی به نقد موضعش بعنوان نمونه از چهار ساعت منبر منولوگی مصداقی توجه کنید شاید درک بهتری از منبر (اینکه از لفظ منبر و منولوگ استفاده میشود ، بقصد توهین و تخریب نیست ، بلکه بعنوان "یک متن غلط ارتباط یکطرفه مانند منابر آخوندی بدون امکان کامنت گذاری که نقد شده است" که بکار میرود. که در همین لینکی که در این پانوشته آمده متیوانید محتوای نقد منولوگ را بخوانید.) [۱] بدست بدهد.

مصداقی فحاشی و بکارگیری الفاظ توهین آمیز عصبی افسارگسیخته را بدون پرداختن به پاسخگویی به اصل انتقادی از او شده، اینگونه شروع میکند: ما از این آدمهای حقه باز کم نداریم تا یک مسئله ای میشود اینها میشوند ناسیونالیست، چهرههایی که درد وطن دارند. عرق وطن دارند. اینهایی که یک مو هم کف دستشون نیست. خیلی انسان هستند، خیلی صاف و صادق هستند. اینطور نیست. همه چا میتونید اینها رو ببینید. عده ای لباسی به تنشان میکنند که گشاد است و به تنشان گریه میکند. یکی دیگرشون بود که یک مقاله ای نوشته بود علیه من، داود باقروند ارشد یکی از عناصر فرقه رجوی بوده است قبلا. این بابا امروز شده چی ناسیونالیست. امروز شده چی نیروی ملی. حالا ضد آمریکایی، ضد آمریکایی مهمترینش اینه ها!!! البته نمیخواستم اسمش را بیاورم. چند بار هم لگد پرانی کره بود ولی فقط می خواستم روشن کنم این چهره ها کی هستند و روشن بشود

ضد آمریکایی یا ضد میلیتاریسم

همه این مقدمه تخریبی که با نخوت و تکبر و مکث در نام بردن از منتقد را نیز بدان اضافه میکند روش مسعودرجوی و خود بزرگ بینانه است که مصداقی وانمود میکند خود توسط مسعودرجوی قربانی آن قرار گرفته است!! ولی ظاهرا منطق بی منطقان است بویژه وقتی با یک نقد تمامیت خود را در خطر احساس کنند. فرق نمیکند رجوی باشد یا مصداقی. در ضمن تلاش میکند با هوجبگری خاص خودش منتقد را با تاکید دوباره "ضد آمریکایی" بعنوان یکی از بزرگترین معایبش بنمایاند!! شاید به مراکزی که مد نظر دارد پیام هشدار میدهد! خدا داند.

اجازه بدهید در خوشبینانه ترین شکل فکر کنیم مصداقی تفاوت "ضدیت کور با آمریکا" و "مخالفت با میلیتاریسم" را که رجوی نیز روی آن سرمایه گذاری کرده است و متاسفانه مصداقی نیز برایش با درخواست حمله نظامی علیه نیروهای عراقی در عراق و نابودی آنها دلالتی میکند را نمیداند.

بعنوان مقدمه و قبل از ارائه تعاریف و توضیح و تشریح آنها. جهت اطلاع خودش و خوانندگان این سطور توصیه کنم مواضع نگارنده که بشدت مخالف گروگانگیری سفارت آمریکا (بعنوان یک فاجعه ملی) و در مورد جنایت ۱۱ سپتامبر بعنوان عملی بغایت تروریستی که حتی این قلم رسماً نسبت به جشن گرفتن مسعودرجوی در حضور ۴۰۰۰ عضو سازمان از کانال عباس داوری نسبت به آن اعتراض کرده است و عامل قطعی تصمیم به خروج و فرار از این فرقه این قلم بوده و در این پانوشته آمده است رابخوانند[۱] تا رویکرد دجالگرانه مصداقی به وانمود کردن مواضع این قلم را به ضدیت کور با آمریکا برای خواننده روشن شود. اما آنچه در مواضع مصداقی مورد نقد قرار گرفته میلیتاریسم است که شاید! لازم باشد برای خود مصداقی روشن شود.

معنی میلیتاریسم

میلیتاریسم یعنی :اعتقاد به اینکه کشور باید قدرت نظامی قوی داشته باشد تا از آن برای برتری سیاسی اقتصادی استفاده کند.(دیکشنری کمبریج) میلیتاریسم زمینه را برای نازیسم ، فاشیسم و فالانژیسم فراهم می کند. از لحاظ پیشینه تاریخی میلیتاریسم به سنت ارتش پروس و گرایش نظامی دولت آلمان برمبگردد . بیسمارک یکی از رهبران آلمان معتقد بود که تاریخ از طریق خون و شمشیر حرکت میکند . اندیشه بیسمارک تلفیقی از میلیتاریسم ، ناسیونالیسم و محافظه کاری است. شروع جنگهای جهانی بوسیله آلمان ، گرایش میلیتاریستی در این کشور را تحریک نمود .در زمان ناپلئون بناپارت در فرانسه " تین بناپار تیسیم" که مظهری از میلیتاریسم بود شکل گرفت و در زمان او ارتش نقش بسیار زیادی در تحولات سیاسی – اجتماعی پیدا کرد .گسترش میلیتاریسم در اروپا یکی از زمینه های پیدایش فاشیسم بود که جنبشهای فاشیستی از رسوم نظامی اقتباس کردند و سنتهای نظامی را مورد ستایش قرار دادند .

نمونه ای از میلیتاریسم آمریکایی از زبان یک سناتور آمریکا "آلبرت جی بوریج"

جهت روشن شدن برای مصداقی به آنچه مخالفت با میلیتاریسم گفته میشود توجه او و خوانندگان را به بخشی از سخنرانی انتخاباتی یک سناتور آمریکایی بنام آلبرت جی بوریج که بعد از این سخنرانی به سناتوری انتخاب شد جلب میکنیم تا بسادگی و بدون نیاز به هیچ دانش سیاسی و قوانین بین المللی چندانی روشن شود که بحث مخالفت با چه محتوایی است. و محتوایی تجاوز به عراق و حضور آمریکا در منطقه چیست. این سناتور در پاسخ به این اعتراض که کشورها از حق حاکمیت برخوردارند، میگوید:

اینکه بگذاریم [کشورها] خودشان بر خودشان حکومت کنند عین این است که تیغ را بدهیم دست یک کودک و بخواهیم که صورتش را بترشد. مثل این است که ماشین تحریر را بدهیم به یک اسکیمو و بخواهیم یکی از مهمترین روزنامه های جهان را منتشر کند. آیا شما [آمریکاییها] با رای خودتان تائید خواهید کرد که به توان و قدرت و درایت عملی آمریکایی ایمان ندارید؟ یا تائید خواهید کرد که ما به نژاد حکمران جهان تعلق داریم؟ که حکمرانی در خون ماست که روحیه برتری در نژاد ماست که یک نوع نیوغ فرماندهی از آن ماست. بعد مسافت دلیل نمیشود که ما در پی تقدیریمان نرویم. از تصرف سرزمینهای دیگر چشم پوشی کنیم. زیرا پیشرفتهای فناوری به باری ما خواهند آمد، نیروی الکتریسیته بکمک ما خواهد طبیعت نیز همینطور ... کوبا و هوایی و فیلیپین به ما نزدیک نیستند اما نیروی دریایی ما آنها را به ما نزدیک خواهد کرد، چابکی آمریکایی، تفنگهای آمریکایی و روحیه و ذهن و جسارت آمریکایی آنها را برای همیشه نزدیک نگه خواهند داشت. تصور کنید وقتی قانونهای آمریکا، هاوانی و پورتوریکو را پر از عدالت و امنیت کنند، هزاران آمریکایی به این سرزمین ها سرازیر خواهند شد. تصور کنید وقتی یک جمهوری با حکومتی آزاد که تحت حفاظت و کنترل آمریکاست نظم و عدالت را در فیلیپین برقرار کند دهها هزار آمریکایی به معدنها و مزرعه ها و جنگلهای آنجا هجوم خواهند برد. تصور کنید که وقتی حکومت قانون جایگزین سلطه دوگانه بی نظمی و خودکامگی در کوبا شود صدها هزار آمریکایی به آنجا خواهند رفت و تمدن و انرژی و صنعت را در آنجا خواهند ساخت. تمدن،

بهداشت و آموزی همگانی برای میلیونها. این برای هرکدام از ما به چه معناست. به معنی فرصت برای همه مردان جوان و عزت مند آمریکا. نیرومندترین، جاه طلبترین، پرشورترین و مبارزترین مردانی که جهان تا کنون به چشم خود دیده. به معنی آن است که به همان اندازه که نیرو و توان آمریکایی با عظمت تر از کاهلی اسپانیایی است. منابع این فرمان روایان بسیار ثروتمند افزایش خواهد یافت. و تجارتشان پر رونق تر خواهد شد. زیرا آمریکایی ها در آینده این منابع و تجارت را به خود اختصاص خواهند داد. فقط در کوبا ۱۵ میلیون اکر جنگل وجود دارد که رنگ تیر را ندیده است. در آنجا معدنهای بی پایان آهن و ذخایر گرانبهای منگنز وجود دارد. در آنجا میلیونها اگر زمین وجود دارد که هنوز کاش نشده است. هیچ کس هنوز به سراغ منابع زیرزمینی فیلیپین نرفته است. این به معنی شغلای جدید و دستمزدهای بهتر برای مردان زحمت کش آمریکایی است این یعنی قیمت بالاتر برای گندم و ذرت ما برای همه محصولات است که کشاورزان ما تولید میکنند.

این یعنی دلارهای راکد و ضعیف ما صرف سرمایه گذاری فعال قوی در سرزمینهای دور خواهد شد. توفیق آمریکا بدان معناست که این ملت عاملی بسیار تاثیر گذار در صلح جهانی خواهد بود. زیرا تعارض های آینده تعارضهای تجاری خواهند بود. جدال برای بازار، جنگ تجاری برای بقاء. اری با گسترش بازرگانی ما پرچم آزادی به همه جهان خواهد رفت و امنیت همه شاهرها مسیر تجارت ما با همه انسانها با تفنگهای آمریکا تامین خواهد شد. و وقتی فروش آنها به پرچم سلام دهد، مردم شب زده خواهند دانست که صدای آزادی دست کم برای آنها میخواند. که تمدن دست کم دارد برای آنها طلوع میکند. آزادی و تمدن آن ثمره های انجیل عیسی مسیح که از پی قلمرو تجارت که زمینه را آماده میکند میروند و هیچگاه بران پیشی نمیگیرد. خطیرترین وظایف تاریخ بر دوش مردم آمریکاست. آنها باید توانمندترین تجارت جهان را هدایت کنند. آنها نمیتوانند در مسیر پیشروی شکوهمندانه بسمت ثروت و قدرت و افتخار و تمدن مسیحی به خودشان اجازه توقف دهند. زمان آن است که مردمان برگزیده خداوند عزیز را بزرگ بداریم و تحسین کنیم. تا همه جهان با وفاداری آمریکایی ها با حکومت آمریکا همآوا شوند. هموطنان آمریکایی ما مردمان برگزیده خداوندیم. ما نمیتوانیم از وظایف جهانی خود فرار کنیم. برماست تحقق بخشی به غایت سرنوشتی که ما را واداشت که بزرگتر از هدفهای کوچکمان باشیم. ما نمیتوانیم از هیچ سرزمینی که مشیت الهی پرچمان را در آن به احتراض در آورده عقب نشینی کنیم. برماست که بخاطر تمدن و آزادی آن سرزمین را حفظ کنیم. برای تحقق تمدن و آزادی پرچم ما باید از این پس نماد و نشانه ای برای همه نوع انسان باشد [K].

واقعا مصداقی میفهمد چه میگوید؟

استدلال بسیار پر مغز!! دیگر مصداقی در دفاع از میلیتاریسم و منافع آن که نگارنده نا شکری کرده و توجه بدان ندارد: مصداقی میگوید:

"امریکا حمله کرده به عراق... عراق را شخم زده است. دولت صدام حسین را سرنگون کرده،... خوب یعنی در اثر [حمله] نیروهای آمریکایی و از هم پاشیدن زنجیره های فرقه رجوی این تونسته دربرود،"

بنابراین این بنده خطاکار آن مواهبی که به قیمت شخم خوردن و نابود شدن عراق با صدها هزار کشته در میان مردم عراق و بتاراج رفتن منابعشان کسب شده و در این میان با شکستن بندهای دیکتاتوری صدام و فرار نوجوانش، مسعودرجوی از عراق، نگارنده توانسته از زندان رجوی فرار کند [L] را قدر نمیشناسم. یعنی چون منافع حقیر این قلم تامین شده باید جنایت آمریکا در عراق را تائید کنم نه اینکه بند کنم به میلیتاریسم شخم زنده که مصداقی دلالی اش را برای انجام دوباره در عراق میکند. در صورتیکه از نظر مصداقی باید منافع حقیر خود را اصل بگیرم و از میلیتاریسم شخم زنده یک کشور ۳۰ میلیونی توسط آمریکا حمایت کنم. **حاشا و کلا** "مگر انسان چقدر میتواند حقیر و پست باشد؟

مصداقی در آویختن به ابزار پوسیده رجوی، میگوید:

"بعد اونجا [تيف] محلی در کنار اشرف تحت کنترل ارتش آمریکا] هم اهل ایستادن هم که نبوده بلند شده رفته ایران، ۹ سال ایران بوده همه چرخش رو زده همه داستانهایش را با رژیم رفته،" مصداقی

صدای مسعود رجوی را که حنجره مصداقی را بکارگرفته است را میشنوید؟ قهقهه مسعودرجوی از درس پس دادن ایرج مصداقی به مسعودرجوی با ترور مخالفین فرقه اش را میشنوید؟ صد سال هم که دم از مخالفت با رجوی بزنی، رجویسیم، استبداد رای افسارگسیخته، فردیت و خشم و عدم تحمل یک نقد ناشی از خود شیفتگی را درمان نمیکند.

لاجوردی جلاد اوین نیز با استبداد شاه در افتاده بود، سالها در زندان و زیر شکنجه ساواک شاه بود و اتفاقا یکی از مقاومترین زندانیان زمان شاه بود. تازه برای شناسایی مبارزین سوار بر گشت ساواک نیز نشده بود. همانگونه که به اصطلاح ۵۵ سال مخالفت رجوی با به اصطلاح شاه و شیخ نیز نتوانسته استبداد قرون وسطایی مسعودرجوی را درمان بکند.

اما در مورد داخل کشور رفتن تا به خارج کشور آمدن

آقای مصداقی بشنو از زبان کسی که بقول خودت "حساسترین مسئولیتها" را در فرقه رجوی داشته، (نه بعنوان تحلیل بلکه حقایق درونی فرقه ننگین رجوی گفته میشود) رجوی داخل رفتن را شیطان سازی کرد و میکند، چون:

الف: حضور ابديش در خارج کشور ناشی از شکست کامل نظامی، سیاسی، ایندولژیک و تشکیلاتی خودش در خارج را توجیه کند، یادت هست که وقتی میرفت عراق حضور در خارجه را حرام کرد؟ فکر نمیکرد کار خودش هم به قبرستان خارجه کشیده میشود.

- ب : داخل رفتن را حرام کرد تا با نفی مبارزه مردم در داخل کشور، مبارزه را تنها در کادر تشکیلات خودش در قبرستان خارجه جلوه بدهد و توجیه کند.
- ج : نفی و خاک پاشیدن به چشم ایرانیان، نسبت به واقعیت حمایت آشکار بخشی از مردم ایران از رژیم در مقابله با آمریکا و مزورانش همچون رجوی است، که در حمایت گسترده در ترور سردارد سلیمانی توسط آمریکا بخشی از آن را شاهدش بودی.
- د : تلاشی در راستای نفی مشروعیت توده ای از رژیم و تامین منافع تامین خواسته های مراکز میلیتاریستی (که میدانی ۴۰ سال است تنها محور کار سیاسی فرقه رجویست و تنها کانال امید او برای رفتن به ایران و بقدرت رسیدن)
- ح : برای موجهه جلوه دادن هر اقدام نظامی خارجی اعم از اقدام آمریکا یا اسرائیل علیه کشور. (تنها و تنها امید بقدرت رسیدن امثال رجوی)
- و : به همان دلیلی که هم شاملو و هم شجریان و بسیاری دیگر را مزدور رژیم خواند و ضد انقلابی و دشمن، چون با پناهنده شدن و به خارج آمدن و تانید سیاست رجوی مخالفت کردند.
- ظ : نفی مبارزه متکی به خود مردم، و رهبری فرد و تشکیلی دیگر جز فرقه رجوی و لقاء کردن این امر که راه نجات از پس مانده غذای آمریکایی خوردن است. و حفاظت از استراتژی صدمبار شکست خورده اش که تنها ره رهایی با ارتش آزادیبخش است. رجوی چهار دهه است میگوید انقلابی توده ای دیگر اتفاق افتادنی نیست. مگر با ارتش آزادیبخش. بنابراین رفتن داخل و هر مبارزه ای در داخل باید نفی شود. و شما بدان دامن میزنید.

بنظر نگارنده هر عنصری دم از حمایت خارجی بزند، بزرگترین خیانت را در حق مردم ایران میکنند. چون به مردم ایران این را لقاء کنند که نمیتوانند روی پای خود بایستند. و باید برای آزادی و دمکراسی و ... پس مانده خوار آمریکایی باشند. (انگونه که بهبهانی میگفت و شما ضمنی تانید میکردید). جواب این فرومایگان را ستارخان ها و مصداق ها و دکتر فاطمی ها و ... سالها قبل داده اند.

سابقه تاریخی القا پس مانده خواری استعمار به ایرانیان

نباید فکر کرد که فرهنگی که بهبهانی و شما در تلویزیون میهن تی وی ترویج میکنید اشتباهات لفظی است. متاسفانه این فرهنگ استعماری سابقه تاریخی در میهن ما دارد. استعمار بکمک مزدبگیران ایرانی در دربار قاجار و سپس درباریان پهلوی و عطف به ضعف کشور ناشی از عقب افتادن در انقلاب صنعتی، و ... این تفکر را در بین مردم ستم زده ایران و تبلیغ و ترویج میکرد کشور عمیقا جا انداخته که ایرانی نمیتواند خود راه خود را بیابد و چاره در دستان خارجی است. حضور عناصر میلیتاریسم جهانی در شوهای مریم رجوی چیست؟ این یعنی ضدیت با ایران و ایرانیت و دلالتی برای استعمار.

هر آنکس علاقه مند است بداند این فرهنگ فرومایگی چگونه در ایران شکل گرفته است میتواند به مطبی تحت عنوان <https://www.nototerrorism-cults.com/?p=21551> (تولید آزادی یا دلالتی و مصرف آزادی) در لینک مقابل بخواند.

مگر در خارجه چیزی جز تفاله شدن و کپک زدن چیز دیگر در جریان است؟ در صورتیکه میبینی هر مبارزه ای هست در داخل کشور است. تبلیغ عکس کردن و نفی بدخل رفتن عین خیانت به همان جوانانی است که در داخل مبارزه میکنند. تاکتیک و دروس مسعود رجوی که در اینجا مصداقی درسش را پس میدهد، جهت سرپوش گذاشتن بر کپکهای ناشی از تفاله شدن در خارج کشور است.

اگر سوال کنی، پس خودت در خارجه چکار میکنی؟ جواب این است که:

اگر کسی شرف داشته باشد نباید بدلیل حقارت خودش حقیقت را نفی کند. نگارنده هیچ ادعایی در مبارزه ندارد. رسالت نگارنده، فقط بکارگیری تجربه جهت جلوگیری از خنجر زدن کپک گرفته ها از پشت به مردم ایران است.

اندر عدم تحمل سختی های تیف

واقعا کسی که ۳۰ سال عراق بوده بمبارانهای هوایی رژیم را تحمل کرده، در پروژه های مسعود رجوی در اروپا همراه مریم رجوی بوده، و باز برگشته عراق، بعد در انتقاد به رجوی هفت سال در بصره تبعید بوده، که روزانه بر سرش خمپاره ۱۲۰ میباریده، فقط در یک مورد ۲۷ موشک رژیم به مقرشان میخورد، یکبار میلیمتری از کامیون انتحاری در همان بصره جان سالم بدر برده، سپس از همان بصره وقتی هم که برای پروژه جام جهانی لیون فرانسه به آلمان اعزام شده آمده و پروژه را اجرا کرده و باز برگشته، صدها بار بر سرش بمب و موشک ریخته شده، بمبارانهای بی سابقه تاریخ جهان را در جنگ اول خلیج تحمل کرده. در انتقاد به شکنجه و زندان مجاهدین توسط رجوی به ده سال زندان محکوم شده. در جنگ دوم خلیج ستون تحت فرماندهی اش هنگام اعزام برای فتح دوباره تهران (قبرستان فروغ) توسط مسعود رجوی که خودش از عراق فرار کرده بود، بطور مستقیم توسط هواپیماهای دوستان مصداقی (آمریکایی ها) تا آخرین خودرو بمباران و نابود شده، وقتی آمریکا عراق را اشغال کرده در مصاحبه ای که با همه اعضای ساکن در اشرف توسط دوستان مصداقی (آمریکایی ها) انجام میشد، درخواست به خروج از فرقه رجوی داده وقتی قبول نشده در نهایت فرار کرده و به تیف رفته. در تیف (محل استقرار نجات یافتگان از فرقه جهنمی رجوی تحت کنترل ارتش آمریکا در جوار اشرف و چسبیده به آن) که در آن برای جادشگان، چادرهای کولر گازی دار، غذا و لباس و پزشکی و ... وسایل ورزش، بهداشت و ... تامین بوده.

بله چون این قلم اهل اروپا چرانی نبوده، تا در تیف منتظر شود تا بیاید اروپا با وجود اینکه هم پناهندگی فرانسه و هم آلمان را داشته!!، رفتن به ایران را به ماندن در اسارت میلیتاریستهای خوشنام!! را بجان خریده. چون آنگونه که مصداقی دجالگرانه معرکه میگیرد، اگر نگارنده اهل سختی بود!! حتما مبارزه در اروپا که کار هرکس نیست!!! و بسیار سختی دارد!! چون در اروپا نه نان میدهند نه مسکن میدهند نه حقوق ماهیانه و نه بازنشستگی زودتر از موعد در سوند!!! میدهند، نه درمانت

حل است، نه امنیت هست بلکه انبوه خطر معروف شدن در مصاحبه با بی بی سی هست، را به رفتن داخل کشور که همه چیز گل و گلاب است ترجیح داده است!!!!؟؟ ما آنگونه که رجوی تبلیغ میکند و شما ترویج میکنی، از مبارزه نبریده بودیم که جدا شدیم. به ضد مبارزه بودن رجوی، ضد ایرانی بودن رجوی و حتی خطرناک بودن رجوی چه برای ایران و چه برای منطقه عمیقاً اعتقاد داشته و داریم و اینکه هر مبارزه ای فقط و فقط در داخل کشور مشروع است و لا غیر. مبارزه در خارج کشور وقتی مشروعیت دارد که متکی، مرتبط، حامی و مورد قبول مردم و مبارزه مردم ایران در داخل باشد.

شاخص کثافت کاری و تفاوت بریدگی تشکیلاتی و بریدگی سیاسی

بگذار بعنوان کسی که به قول خودت حساسترین مسئولیت ها را در فرقه رجوی داشته یک حقیقت را با شناختی که از همه اعضای سابق و حاضر رجوی دارد و بسیاریشان را اداره کرده است و خوب همه سوابق شان را میدانند یک الگو به برای شناخت کثافت کاری و بریدگی از مردم ایران در بین همه کسانی که نشان به تن رجوی خورده است بدهد. هر انسان مبارزی که از تشکیلات فرقه رجوی میبرد، در اوج آگاهی و شرف انسانی و ملی و رهایی از اسارت و بندگی فکری و جسمی است که اینکار را میکند و همانطور که مردم ایران از آنها با گذشت از همه گناهمانی که در همراهی با تشکیلات وطن فروش، ضد ایرانی و جنایتکار رجوی مرتکب شده اند، مقدمشان را گرامی میدارند، باید مورد تشویق قرار گرفته و الگوی بقیه اسیران در بند رجوی باشند.

این تشکیلات فرد محور است و رجوی تلاش کرده همه اعضا را همانطور که همه آگاهند (با مغزشویی) مانند خودش بار آورد و از آنجا که بزرگترین کثافت کار و بریده از خلق و مردم ایران خود مسعود و مریم رجوی هستند و همه آنهايي که در کنارشان جا خشک کرده اند. با دادن چپ ترین شعارهای به اصطلاح براندازی در حال وطن فروشی و مزدوری برای صدام، عربستان و ننگانه، با خواستار حمله نظامی به کشور توسط آمریکا و اعمال تحریم علیه کشور بخيال بردن سر کثافت کار معاصر (مسعودرجوی و مریم رجوی) به تهران است، بالاترین شاخص بریدگی از مبارزه است.

بریدگی از مبارزه نه آنگونه که رجوی تلاش میکند وانمود کند، بریدن از تشکیلات رجوی است. بریدگی، در حقیقت بریدی مبارزه از مردم ایران و در آویختن به دامن استعمار و آبادی آن عربستان و اسرائیل و... و در واقع بریدگی سیاسی است. که مسعودرجوی نه تنها خود برید بلکه تمام تشکیلاتش را نیز به بریدگی و آویختن به دامن آمریکا و قطع کامل از مردم و مبارزه مردم ایران کشاند. یعنی بریدگی تشکیلاتی نیست. بریدگی سیاسی است.

پس رجویسم یا بریدگی و کثافت کاری سیاسی-مبارزاتی -اخلاقی = چپ زدن براندازی (آنهم در اروپا و آمریکا) +

مردم و وطن فروشی + نفی به داخل رفتن ایرانیان با حمایت + تحریمها و درخواست بمباران ایران و مردم عراق

این فرمول چه برای جدا شدگان از رجوی و چه دیگران وقتی همراه است با شعارهای چپ نمایانه براندازی در خارجه چیزی نیست الا سرپوش گذاشتن به بریدگی سیاسی از مبارزه مردم ایران، همدستی با آمریکا، که سقوط شخصیتی-مبارزاتی، فرد را به نمایش میگذارد. بجای سر فرود آوردن در مقابل مردم ایران و اقرار و قبول اینکه:

“در دنباله روی از جنایتکاری چون رجوی و همه سیاستهای او اشتباه کرده است.”

خدا را شاهد میگیرم این شاخص و ترازوست. فقط باید صداقت داشت به درون مراجعه کرد خواهی دید عین حقیقت است. جناب مصداقی اروپا با همه چیزش ارزانی خودت. یک وجب از خاک ایران را با صد تا غرب باهمه مواهیش عوض نمیکنم. اگر میتوانستم هرگز به غرب باز نمی گشتیم. از نو جوانی در همه جایش بوده همه جورش را دیده ایم. صدها امثال تو به اصطلاح زندان اوین کشیده زیر دستم بوده اند همه تان را میشناسیم. ریز دلایل جدایی ات راهم میدانیم. اما مقصر اصلی را رجوی میدانیم تا تو و امثال تو را، که قربانی میدانیم. هر چند مسئولیت فردی را نفی نمیکنیم که باید خود فرد بدان برسد.

از این رو، این قلم مشکلات امثال تو را نه مسائل فردی و خصوصی که ناشی از خیانتهای سیستماتیک خطی استراتژیک و سرکوب و استبداد تشکیلاتی مسعود رجوی میدانند. و با آن مرز مبارزاتی دارد. یعنی نقطه ضعفهای فردی را مانند امثال تو و رجوی علم نمیکند، نسبت به همه شیوه های رجوی اعلام انزجار کرده و میکند، هیچگاه نیز زبان شنیع ترور سیاسی را بکار نمیگیرد. هر چند برای دفاع از خود، وقتی قربانی اش باشد.

مواضع افراد مورد سنجش است، آنهم وقتی پای مردم ایران یا پای کشور و تمامیت آن در میان است. و مانند رجوی پست و حقیر نباید بود که در قبال نقد بجای پاسخگویی منطقی و خرد وزانه پنجه در صورت منتقد بکشد.

دنبال آنتنی شدن و آنتنی بودن نیز نیست. برعکس آنرا عامل فساد سیاسیون خارج کشوری و زمینه ساز خودفروشی و میهن فروشی میدانیم. معتقدیم مبارز حق دارد یکبار اشتباه کند ولی اگر آنرا تکرار کند مردم حق دارند مورد مواخذه اش قرار دهند. انتظار نداشته باش یقه ات را بر سر مواضع ضد ایرانیت نگیرند. کسی کاری به آنتنی شدن ندارد. از آنتن سواری لذت ببر!! آنچه مشکل توست. مشکل ما استقلال کشورمان است. مشکل ما راه اندازی منطق نقد و گردش افکار و عقاید است.

صدها نفر، امثال تو و البته این قلم بسیار ناچیزتر از آن هستیم که در معاللات سیاسی یک کشور حتی به حساب آنیم. ولی شرافت مبارزاتی آموخته شده از اشتباهات گذشته به بهای هزاران جوانیکه شاهد بودی به نابدی کشانده شدند، حکم میکند اشتباهات و سکوت در قبال انحرافات را تکرار نکنیم. پس تو از آن تجربه دهسال زندان چه آموختی؟ تو در مقایسه با مسعود رجوی با همه اهرمهایی که داشت با همه ترورهای فیزیکی، سیاسی، تشکیلاتی، ایدئولوژیکی که انجام داد بسیار ناچیز هستی تا با همان شیوه ها بتوانی جلوی بیداری و نقد و انتقاد آنهم نسبت به مواضع وطن فروشانه و اجنبی پرستانه را بگیری.

چرا بهبهانی و مصداقی میخواهند ایرانیان پس مانده خوار آمریکا باشند

بهبهانی در همراهی با مصداقی میگوید:

فرق است بین ایران و آمریکا در اشغال عراق؟ در نابودی عراق؟ اونجا را توضیح بده. کدامش بهتره؟ اگر آمریکا بیاد و بره تو مملکتی کارخانه بزنه، فلان بکنه بچاپه و بیره بالاخره از بغل دهن ماهی بزرگتر می ریزه ماهی کوچیک ها هم میخورن. یا یک مشت گشنه یا غربتی بیایند و نابود کنند مملکت رو؟ چرا آنجا خوب است اینجا بد است اینها را نفهمید!!!
مصداقی: آخه این هرچی داره از حمله آمریکا به عراق داره،

بهبهانی آشکار اینگونه موضع میگیرد: بهتر است که کشور عراق را آمریکا بچاپد تا عده ای غربتی (یعنی ایرانیان را غربتی) و آمریکانیان را گل گلاب میخوانند!! پستی و بی وطنی رامشاهده میکنید. در ادامه مردم عراق را پسمانده خوار آمریکا شمرده برایشان بهترین آروزیی که دارد، و آن اینکه آمریکا همه منابیشان را ببرد و بخورد اگر از دهانش چیزی ریخت زمین عراقیها آنها حلوا حلوا کنند و خدا را هم شکر کنند. ای ننگ به هر پستی و خاری و خود فروشی از نوع نژاد پرستانه کولوس کلانی. باور کنید نژاد پرستهای سفید پوست از این غلط ها با این وقاحت و دریدگی نمیکند. این تلویزیون آپوزیسیون رژیم است؟ والله اگر این حرفهای موردتانید مصداقی را اگر مردم شرافتمند ایران بشنوند، تا لوس آنجلس هم شده میروند تا بگویند مردک خفه شو پس مانده خوار خودتی پدرجدت. شاید جواب خود ستار خان را به بهبهانیها و مصداقی ها و شو ضد ایرانیان بدهند که گفت:



**من می خواهم هفت دولت
زیر پرچم ایران باشد،
شما به من می گوید
بروم زیر بیرق روس؛
امکان ندارد**

**من هیچ وقت گریه
نمی کردم چون اگر
اشک میریختم
آذربایجان شکست
میخورد و اگر
آذربایجان شکست
میخورد، ایران زمین
میخورد. اما تو
مشروطه دوبار آنهم
در یک روز اشک
ریختم. حدود ۹ ماه**



من هیچ وقت گریه نمی کردم چون اگر اشک می ریختم
آذربایجان شکست می خورد و اگر آذربایجان شکست می
خورد ایران، زمین می خورد. اما تو مشروطه دو بار آن
هم در یک روز اشک ریختم: حدود ۹ ماه بود تحت فشار
بودیم، بدون غذا، بدون لباس. از فرارگاه آمدم بیرون،
جسمم به یک زن افتاد یا یک بچه در بغلم. دیدم که بچه
از بغل مادرش آمد پایین و چهار دست و پا رفت به طرف
بونه ی علف. علف را از ریشه در آورده و از شدت گرسنگی
شروع کرد خاک ریشه ها را خوردن. یا خودم گفتم الان
مادر آن بچه به من فحش میدهد و میگوید لعنت به ستارخان
که ما را به این روز انداخته!
اما، مادر کودک آمد طرفش و بچش را بغل کرد و گفت: بیسی
نماده فرزندانم... خاک من خوریم اما خاک منی دهم
ستار خان [سرمدار ملی]

بود تحت فشار بودیم، بدون غذا و لباس، از فرارگاه بیرون آمدیم، چشمم به یک زن افتاد با بچه در بغلش. دیدم که بچه از بغل مادرش آمد پایین و چهار دست و پا رفت به طرف بوته ی علف، آنرا از ریشه در آورد و از شدت گرسنگی شروع کرد خاک ریشه ها را خوردن. با خودم گفتم الان مادر آن بچه به من فحش میدهد و میگوید لعنت به ستارخان که ما را به این روز انداخته! اما مادر کودک آمد طرفم و بچه اش را بغل کرد و گفت: عیبی ندارد فرزندانم... خاک من خوریم ولی خاک نمی دهم. آنجا بود که اشکم سرازیر شد.

البته بهبهانی و مصداقی آزادند که هر موضعی که میخواهند داشته باشند ولی از نقد مواضعشان گریزی نیست. این تعهدی است که ما با مردمان (همان خلق قهرمانی) که مسعود رجوی به آمریکا فروخته است داریم و ارتباطی هم به شخص و یا امثال شماییان ندارد. همانطور که وقتی کار مثبتی انجام میدهی اصولمان بما میگوید که تقویت و تشویق کنیم و کرده ایم. همانطور که وقتی حتی خیر بمب گذاری مشکوک شو مریم رجوی شنیده شد، مستقل از درستی و غلطی اخبار رسیده آنرا طی اطلاعیه ای بشدت محکوم کردیم. حتی کشتار تظاهرات ۱۳۹۸ را محکوم کردیم. اما اگر تو یا هرکس بخواهد با دشمنان کشور همدستی کند، تا به خاک کشور تجاوز شود. قطعا باید از روی جنازه امثال این قلم رد شود. همانطور که دیدی مردم ایران در مواجهه با ترور یک سرباز ایرانی توسط دوستان اجنبی شما چه واکنشی نشان دادند. محمدرضا روحانی نیز گفت که همه مردم در کنار حاکمیت برای مقابله با دوستان شما در صورت تجاوز به کشور خواهند جنگید. مسائل داخلی کشور فقط و فقط به مردم و جوانان کشور مربوط است. نه به هیچ عامل و کشور خارجی.

لجن پراکنی رجوی صفتانه مصداقی:

“داخل که رفته، همه داستانهایش را با رژیم رفته” مصداقی

مصداقی نشان میدهد علیرغم همه الدروم قلدرمهایش علیه رجوی، اگر لنجزار پیدا کند خود از رجوی در شناگری چیزی کم ندارد. نباید از این رجوی صفت سوال کرد چرا این حتما “همه داستانهایش را با رژیم رفته” را افشاء نمیکنی؟ از کمیسون صاحب مرده مرشد فکریت مسعود رجوی در زمینه ترور سیاسی کمک بگیر، مگر نه اینکه اگر بود حتما او تا بحال صدها بار منتشر کرده بود.

همانگونه که در مورد امثال خودت بدرستی یا دروغ، اسیران خودش را بمیدان آورده تا گزارشاتی از درون زندانها و اوین و تیر خلاص زدن، انزجار نامه نوشتن و گزارش به کابینتون و توبه نامه نوشتن، شکنجه کردن، ... و یا با تکیه به اطلاعات درون رژیم توسط کمیسون صاحب مرده اش، منتشر میکند، برای نگارنده نیز ردیف میکرد. چنگ و دندان نشان دادن مصداقی در قبال یک انتقاد را میبینید؟ آنوقت چه کسی همجنس رجوی است؟

مصداقی در ادامه میگوید:

کسی که حساسترین مسئولیتها را در فرقه رجوی داشته است. بعد آمده خارج کشور، فکر کنید کسی که میتواند حساسترین مسئولیتها در فرقه رجوی را بگیرد، یعنی از جنس رجوی است. یعنی هزار کثافت کاری کرده و گرنه نمیتوانست بالا برود، محال است بروی، فرقه رجوی فرقه ای که شما نمیتوانید بسادگی توش بالا بروی. باید ۱۰۰ تا امتحان بدهی تا بروی بالا. اینجوری نیست، تا از جنسش نباشی بالا نمیروی. هرکس میخواهد باشد. بدون اینکه بیاد یکی از کثافتکاریهای خودش را بگوید. حالا مدعی است چیه؟
مصداقی

البته قبلا گفته شده حالا نیز باز گفته میشود. از همه مردم ایران و همه اعضای جدا شده و اسیر فرقه رجوی و از جمله خود ضحاک فرقه، مسعود رجوی و مریم رجوی عاجزانه درخواست میکنم که طی چهل سال گذشته هر چه عیب و نقص و به قول مصداقی کثافتکاری از نگارنده سراغ دارند برای مصداقی ارسال کنند.

در فرار از نقد مواضع شبه فاشیستیش میگردد:

“حساسترین مسئولیتها را در فرقه رجوی داشته”

و آنرا نشانه همجنس بودن با رجوی شمرده و با شنانت حکم صادر میکند که:

“حتما هزار کثافت کاری کرده و گرنه نمیتوانست بالا برود، محال است بروی”

خیلی دستت خالیه نه؟ که به حتما هزار کثافت کاری کرده، به انشاءالله کثافت کار بوده التماس دعا داری و آویخته ای. تا بتونی با علم کردن آن مجبور نشوی پاسخگوی نقد مواضع فاشیستیت باشی. اما برای روشن شدنت توضیح داده میشود.

رجوی از انسان از جمله از مردم ایران بعنوان دستمال یکبار مصرف استفاده میکند، عده ای برای خمپاره خوردن و مردن برایش، عده ای برای زندان رفتن و شکنجه شدن برایش، و سپس رفتن نزد کاپیترون و گزارش کردن برایش، عده ای برای کار به اصطلاح سیاسی در راهروهای قدرت، عده ای برای همخوابگی با او، عده ای برای بکارگیری از توان اجرایی آنها، عده ای برای فحاشی برایش، عده ای بخاطر توان تشکیلاتی آنها، عده ای برای عملیات و ترور کردن، عده ای برای چاپلوسی برایش، عده ای برایش شعر گفتن و تولید موسیقی برایش، عده ای برای نقش شورایی بازی کردن برایش، عده ای برای نقش خواننده ملی بازی کردن برایش، میدانی که هیچکدام از اینها هیچگاه اصلتی نداشته، تماما پوشال بوده است. بنابراین تلاش برای اصالت بخشیدن به مسئولیتهای بسیار حساس سپرده شده توسط رجوی به این قلم و هر فرد دیگری از جمله خودت، از آنجا که تمام اقدامات رجوی علیه کشور و عالیترین منافع مردم ایران بوده است، بالاترین ضد ارزش در نزد مردم ایران است و یاری و کمک به مسعود رجوی است. فراموش میکنی که هرکاری چون در خدمت رجوی بوده کثافت کاری بوده، اگر چه در راهروهای تمیز پارلمان اروپا یا در سازمان ملل و حتی نزد کاپیترون هم بوده باشد.

هر چند حساسترین مسئولیتهای نگارنده در فرقه رجوی هیچکدام باعث نشد که از همان سال ۱۳۶۵ (محکوم شدن علی زرکش به اعدام توسط مسعود رجوی) به مخالفت برخاسته و چند بار فرار نکند، یکبار بدلیل نقد رجوی به هفت سال تبعید در بصره و سپس به دهسال زندان محکوم نشود.

جناب مصداقی همجنسی، در بکارگیری شیوه های رجوی است. نه در اسیرش بودن. بیش از دو هزار نفر از فرقه جدا شده اند. در صدر آنها اسماعیل و فایغمایی و سعید جمالی، (دوستان هم بیاله خودت)، و یا خودشیفته بحر العلوم دیگر مثل خودت سیامک نادری که از همه چیز عکس و تصویر و گزارش ... دارد، از همه جدا شدگان که بسیاری از جمله خودش تحت مسئولیت نگارنده بوده اند، بخواه که وقتی با شنانت رجوی دروغ پردازی و فرا فکنی میکنی که این قلم "حتما در فرقه رجوی هزار کثافت کاری کرده است ولی نمیگوید" لطف کنند و یکی از کثافت کاریها را بنویسند و برایت بفرستند تا تو افشاء کنی شاید کمی خنک شوی، ضمنا همه بدانند.

هر چند بالاترین کثافت کاری دامن گیر اعضای مجاهدین حضور در کثافت خانه فرقه رجوی بوده است. که همه خیانتها در زیر آن میگنجیده. و ما بابتش به مردم خود بدهکاریم.

اما یک کثافت کاری بالاتر هم هست که از آمریکا بخواهی کشورت را بمباران کند. یا در هنگام کشتار مردم بی طرف بایستی. با بیبینی چیزی به تو میرسد یاخیر ولی اعلام کنی بعد با برنده تعیین تکلیف میکنیم!!! به قول بچه محلهایت، خودتی!! دوران رجوی گری - دجالگری سالهاست گذشته. و یا مردم ایران و عراق و پس مانده خوار آمریکایی شمردن.

هر چند نگارنده انقدر صداقت دارد که خود بنویسد:

همانطور که قبلا (مانند اینجا) نیز به کرات توسط این قلم گفته و نوشته شده، به حکم وظیفه و دین ای که نسبت به مردم ایران بخاطر نقشی که اگر نه در ظهور بلکه در تداوم خیانتکاری هم چون مسعود رجوی و دارو دسته اش برگردن امثال این قلم است. دست به افشاگری میزنیم.

و مصمم هستیم که نگذاریم شبهه رجویهای وطن فروش دیگر در پس آید دزد آید دزد به رجوی برای میهن فروشی به آمریکا سینگنال بدهند که نه تنها مخالف ضد آمریکایی ها هستیم. بلکه در بمباران کشورمان بی طرفیم، و خواهش برو عراقی های پر رو را که نمیخواهند کشورشان را اشغال کنی را نابود کن. اوکی است!!! این است فاصله گرفتن از جنس رجوی. نه فحاشی علیه او اما بکارگیری شیوه های ترور سیاسی-شخصیتی منتقدان آنها در قبال یک نقد به موضع سیاسی خودت و بکار بردن خطوط سیاسی علیه کشور. نه اینکه فکر کنی غیر از این از تو و امثال تو انتظار می رود. با سواد هایش همین دردها را دارند. که در مقاله "ایرانیان حاکمیت و جامعه استبدادی" توضیح مفصل تاریخی اجتماعی و سیاسی آن داده شده. برو بخوان تا خود را در ته آن جامعه استبداد زده بیایی.

مصداقی سپس به فرهنگ لمپنی روی آورده و فحاشی میکند. که یادآور عریبه کشیدن لاته های چاله میدان وقتی حیطة باجگیریشان تهدید شده بود است. او میگردد:

آقا من گفتم اگر من جای ترامپ بودم در مقابل خیره سریهای حشد الشعبی، حزب الله، کتائب حزب الله در عراق قطعاً میزدمشون. مردک میگه مواضع شبه فاشیستی مصداقی. مقاله می نویسه. تو فاشیست میدونی چیه؟ تو که آمریکایی نجات داد. تو که مجیزگویی آمریکا بودی وقتی حمله کرد به عراق. وقتی خاک عراق را شخم زدند. آنموقع خوب بود؟ که تو را نجات دادند؟ بعد جرب و عرضه اش را نداشتی در عراق بمانی. رفتی بسمت رژیم، حال آمدی اینجا برای ما شدی آزادیخواه؟ برای ما شدی ناسیونالیست. برای ما شدی ضد فاشیست. مصداقی

عزت زیاد داش آق مصداقی بدون ایزه مقاله نوشتیم. جرب و عرضه هم نداشتیم بیانییم اروپا چون خیلی خطرناک بود بجاش راحت ایران را برگزیدیم!!!

اما برای خودت و توجه ات بهبهبانی ته مانده خوار آمریکایی، لازم شد که دلایل فاشیستی بودن مواضعت در تعریف ملتاریسم روشن گردد. ملتاریسم ریشه در افکار فاشیستی دارد. مشکل در مواضع ما نیست مشکل در این که بحر العلوم ما معنی حرفهایش را نمیفهمد تفاوت ناسیونالیسم و میهن پرستی را تفاوت ضدیت کور با آمریکا و ملتاریسم را نمیداند آنوقت از ما گله میکند. داداش!!

میهن پرستی Partiotism مفهومی است ناظر به عشق و علاقه به میهن و مردم و حفاظت از استقلال سیاسی و اقتصادی کشور و دفاع از هویت قومی، ملی و فرهنگی آن ملت. میهن دوست فردی است که به سرنوشت کشور و فرهنگ خود حساس است و همه تلاشش را بکار می‌گیرد تا آنها را به بالندگی برساند. **ناسیونالیسم** Nationalism اما در ذات خود متکی بر انگاره‌های برتری‌طلبی نژادی و زبانی و جز آن است و هر کدام آنان برای خود شخصیت‌ها و واقعیه‌های تاریخی محبوب و مقدسی می‌تراشند تا به واسطه آنها بتوانند سلطه خود را گسترش دهد. ناسیونالیسم همچنین در ذات خود نزدیکی بسیاری با نژادپرستی و فاشیسم دارد و در هنگام دستیابی به قدرت به سرعت تبدیل به مکتبی فاشیستی و خونریز در ترکیب با ملتاریسم می‌شود. چنانکه در ترکیب با فاشیسم موجب پیدایش نازیسم گردید و نمونه‌های آن در آلمان هیتلری و ایتالیای عصر موسولینی تجربه شد و منجر به یکی از فجیع‌ترین جنایات‌های تاریخ بشری گردید. امروزه نیز در ترامپ و دار و دسته اش که مصداقی نیز دست به دامنش است مشاهده میشود.

ناسیونالیسم مصداقی و بهبهبانی

از این قسمت به بعد واقعا پرت و پلا گویی مشمئز کننده ای که نشان از اوج ناسیونالیسم!! اوست شروع میشود که بهتر است خود گوش کنید. تا معنی ناسیونالیسم مصداقی و بهبهبانی خوب خوب درک شود.

دیروز که زدن دولت صدام حسین که در مقابل بنیادگرایی بود، دولت سکولار بود. [هرچند] دیکتاتور بود، [اما] دیوبنیادگرایی را کرده بود توی قوطی. زدن صدام حسین خوب است که تو از فرقه رجوی بتونی در بیایی؟ الا اگر آن دیوی که بیرون آمده را بزنند اشکال دارد؟ میشود فاشیستی؟ مصداقی

جناب مصداقی همان شخم زدن عراق و سرنگونی صدام نیز جنابت علیه بشریت بوده است. هرچند باعث نجات نگارنده از اسارت رجوی شده، نباید انسان انقدر پست و حقیر باشد که بخاطر منافع فردیش جنایتی را تأیید کند.

ولی اگر بد بوده و به نگارنده که خارج از اراده اش از مواهب آن استفاده کرده و بدون اینکه قدرشناس باشم از یک لایه از دو لایه زندان (لایه زندان رجوی و سپس لایه زندان کمپ تیف آمریکاییها) فرار کرده ام، چرا شما از همان دستگاه ملتاریستی شخم زنی میخواهید دوباره براه بیفتد؟ و عراقیان را نابود کند. شما با کدام مجوز اجازه صدور کشتار مردمی را به آمریکای عزیز خودت میدهم؟ توفیق اجباری استفاده از شخم خوردن عراق قطعا بنفع نگارنده تمام شده، اما دلالی کردن برای تکرار آن خیانت است و دخالت در امور کشورها و همدستی با شخم زنده. درخواست تکرارش توسط شما، دلیل تأیید شخم خوردن و کار شخم زنده است. انتظار نداشته باش بخاطر منافع حقیر فردی کشتار آمریکا در عراق و تکرار آنرا به درخواست تو تأیید شود. مصداقی سپس چنین ادامه میدهد:

ببینید اینجور آدم ها هستند. این اون چه‌هایی هستند که می آیند اینجا ارض خود میریزند زحمت ما میدارند. اینها آدمی نیستند، فرقه رجوی تره ای هم براشون خرد نمیکند. دو تا مقاله علیه رجوی نوشت معلوم است رجوی خطری از سوی اینها احساس نمیکند. اتفاقا اینها را نشان میدهد. برای خودش مشروعیت کسب میکند. میگوید مخالفین ما اینها هستند. یارو رفته ایران چرخیده و چرخیده حالا برگشته و آمده یارو ۹ سال رفته اونجا خوب میگه راست میگه دیگه اینکه رفته ایران. بعد میگه یک رژیم فاشیستی و دیکتاتوری هزاران نفر رو آنطور کشته و تو خاوران بعد یک آقا رفته برای خودش تور سیاسی بعد هم تشریف آورده خارج از کشور. مصداقی

با معذرت از خوانندگان و بدون اینکه قصد توهین داشته باشیم جهت روشن شدن مسئله باید گفت، یک مثال بی ادبی در زبان آذری هست که میگوید

“مدفوع چون بوی خودش را نمیشنود به چمنی که رویش قرار دارد ایراد بد بویی میگیرد.”

اگر مورد سوء استفاده قرار گرفتن توسط رجوی بد است. مگر خودت با افتخار نمی گویی هزاران مقاله علیه تو و خیانتهایی که بتو نسبت میدهد و میگوید در زندان چه و چه کردی و حالا آمده ای مخالف رجوی شده ای را منتشر کرده است؟ پس این تو هستی که بصورت کلان مورد سوء استفاده رجوی علیه جدا شدگان هستی. ضمنا در همین لجن پراکنی ات علیه نگارنده مگر نمیگویی رجوی تره هم برای نگارنده خرد نمیکند. چون نه کثافت کاریهایی از درون نوع زندان از این قلم دارد و نه طبق نوشته خودت در گشت سپاه نشستن و برای لو دادن مجاهدین رفتن را. تو هستی که چماق بر سر بقیه شده ای.

“فرقه رجوی تره ای هم براشون خرد نمیکند.” مصداقی

پس تو بیشتر مورد سوء استفاده مسعود رجوی هستی. و بیشتر در خدمت توجیه جنایاتش هستی. از زندان اوین، نگارنده جزء تنهاکسانی نیست که از زیر اعدامهای سال ۶۷ زنده بیرون نیامده، تا معلوم نباشد چه کرده است که زنده مانده! اون ایران اون اینترنت، اون همه دوستان و اقوام و جدا شدگان و خانواده های جدا شدگان... در داخل هستند. اون هم به قول تو ۹ سال که این قلم داخل بوده جای پنهانی ندارد. قبل از سیستم از همه چیز با خبرتو رجوی با هزاران کانون شورشی و خیر گیری که دمش به اسرائیل وصل است قبل از تو اگر چیزی بود در مورد این قلم اکنون جهان را پر کرده بود. **چرا بوی خودت را نمیشنوی؟**

همجنسی خودت را با رجوی میبینی. برای منافع حقیر خودت برای فرونشاندن خشم ناشی از خودخواهی پست و حقیر صدمه دیده در اثر یک نقد، اتهامات کثیف رجوی را علیه خودت و نگارنده ملاک سجنش قرار داده مشروعه میشماری. **مبارک است** [چه کسی همجنس رجوی است؟]

و در مورد خودت اینگونه نتیجه گیری میکنی؟

“چرا امثال مرا از همه طرف بهش حمله میکنند؟ چون من مستقل هستم.” مصداقی

عجب!!! نه علت حمله رجوی بتو همان سوء استفاده اوست از امثال تو. چون جایی ندارد که از نگارنده سوء استفاده کند. نگارنده را هم در داخل تشکیلاتش خوب میشناسد همه خوب اطلاع دارد در ۹ سال کجا بودم و چه کار کردم. ولی نگارنده علیرغم اینکه تو همچون رجوی به شیوهای ترور سیاسی توسل جسته ای آنرا رد میکنی. و حرف و موضع مستقل خودمان را در قبال هرگونه به اصطلاح ضعف ... در زندان ... دارد. بیرو اینجا بخوان)
مصداقی

“آیا اینها کسی هستند که میتوانند ذره ای روی من تاثیر بگذارند؟ منو از راه باز دارند؟ حاشا و کلا”! مصداقی

قطعا روحیات رجوی گونه استبدادی و نقد ناپذیر جنابعالی بسیار روشن است. رجوی نیز در اوج خود شیفتگی “حاشا و کلا” میکند. و خود خوب میدانی و صدها صفحه در این زمینه سیاه کرده ای.

اما رفیق و هم‌رزم مصداقی عنصری است که از عجایب خلقت است. آقای بهبهانی در همراهی با مصداقی میگوید:

... چه فرق است بین ایران و آمریکا در اشغال عراق، در نابودی عراق، اونجا را توضیح بده. کدامش بهتره. اگر آمریکا بیاد بره تو مملکتی کارخانه بزنه، فلان بکنه بچاپه و بیره بالاخره از بغل دهن ماهی بزرگتر می ریزه ماهی کوچیکها هم میخورن. یا یک مشت گشنه یا غربتی بیایند و نابود کنند مملکت رو چرا آنجا خوب است اینجا بد است اینها را نفهمیدم!!! مصداقی: آخه این هرچی داره از حمله آمریکا به عراق داره، بهبهانی به مصداقی در میهن تی وی

جواب کسانیکه مشکلی ندارند که آمریکا کشورشان را بگیرد و آنرا ببلعد و از پس مانده دهان آن مردمش بخورند با جوانان و مردم میهن پرست ایران است. نیازی به هیچ تشریح و گفتاری ندارد... آمریکایی که نیویورک تایمز افشا کرد که بعد از سرکوب ۱۳۹۸ به رژیم پیام داده آماده مذاکره است.

در ضمن اولاً کی ایران عراق را با اشغال در آورده و شخم زده؟ که ایندو را یکی قرار میدهی؟ این حرف را خود آمریکا نیز نمزند؟ مگر مصداقی بالای منبر منولوگ میهن تی وی نگفت آمریکا رفته عراق را شخم زده؟ پای منبر مینشینی حداقل گوش کن. نکند عملیات طوفان صحرا را رژیم انجام داده بود و ما نمیدانستیم. و بقول مسعودرجوی که میگفت کردها را بکشید آنها پاسدارانی هستند که لباس کردی پوشیده اند. نکند در این مورد هم سربازان ایرانی بودند که لباس ارتش آمریکا را بتن داشتند و عراق را شخم زدند؟

اظهارات تاریخی یک عقب افتاده بی وطن خود فروخته از این قبیل که:

چه فرق است بین ایران و آمریکا در اشغال عراق، در نابودی عراق، اونجا را توضیح بده. کدامش بهتره. اگر آمریکا بیاد بره تو مملکتی کارخانه بزنه، فلان بکنه بچاپه و بیره بالاخره از بغل دهن ماهی بزرگتر می ریزه ماهی کوچیکها هم میخورن. یا یک مشت گشنه یا غربتی بیایند و نابود کنند مملکت رو چرا آنجا خوب است اینجا بد است
بهبهانی در گفتگو با مصداقی در میهن تی وی

دلالی برای اجانب و میلناریسم فاشیستی آمریکا یعنی همین. آهای کسانیکه هزینه گویی های بی حد و مرز چهار ساعته در منبر میهن تی وی را دنبال میکنید، هیچ احساس توهین به شعورتان، به غرور ملیتان، به انسانیتتان از بیانات خیانت باریکه میشنوید نمیکند؟ آنوقت شما را میتوان آپوزیسیون که هیچ، ننگ ملتی هم نمیتوان نامید. کسانیکه مردم کشورشان و عراق را به بردگی و جیره خواری و پسمانده خواری غذای آمریکا فرامیخوانند؟ فرومایه گی از حد گذشته و فراتر از نظرگاههای فاشیستهای کولوس کلان (چون امروزه هیچ سیاستمدار میلناریست آمریکایی و یا خود فروخته ترین ایرانی وابسته به دستگاههای اطلاعاتی دشمنان ایران جرات نمیکند که چنین شکرهایی را اگر هم بدان معتقد باشند علنی بخورند) یعنی غارت کشور بدست آمریکا، و حلوا حلوا کردن پسمانده خواری مردم ایران یا عراق.

از طرفی آیا ایران در حال غارت منابع عراق است؟ مگر مردم ایران شعار نمیدهند که نیازی به هزینه کردن در عراق نیست. یعنی ایران در عراق هزینه میکند نه غارت. چرا برای دلالی کردن و لاپوشانی غارت عراق توسط میلناریسم آمریکایی آنرا اینگونه واژگونه جلوه میدهید؟ هرچند اگر ایران هم عراق را غارت میکرد قطعاً اشتباه بود. آنوقت از نگارنده انتظار دارد غارت آمریکا در عراق را نادیده گرفته و نقد نکند. حاشا و کلا!!!

مصداقی در ادامه دروغویی رجوی صفتانه میگوید:

مگر نه اینکه داشت در فرقه رجوی خدمت میکرد. مجیزگوی اون بود که اونجا. توی اون کمپ تیف که بودند به نیروهای آمریکایی میگفتند نیروهای آزادیبخش. چون اینها را آزادشون کرده بودند. اینها که پاس نداشتند رفتند سمت رژیم، بجای اینکه آنجا را تحمل کنند و بیایند خارج کشور. مصداقی

مصداقی میداند که نگارنده بعد از محکومیت به دهسال زندان توسط رجوی از فرصت محاصره اشرف توسط آمریکا برای فرار استفاده کرده است. ولی مصداقی آزادیبخش بودن میلناریسم را به نگارنده نسبت میدهد و به ناشکری کردن در قبال میلناریسم آمریکا در نجات از زندان رجوی متهم میکند. و میخواهد این قلم با قدر دانی از آن به حکم مصداقی برای نابودی مردم عراق توسط آمریکا صحه بگذارم!!! و منافع حقیر فردی را به نابودی کشوری ارجح بشمارم. “حاشا و کلا”! اینجاست که بکار میرند نه در خیره سری و ادامه در مواضع غلط و دلالی برای میلناریسم آمریکا آنهم علیه کشورت.

در اینگونه موارد، جواب ما به مصداقی ها و بهبهانی ها جواب کسی نیست جز جواب ستارخان به کنسول روس که میخواست مردم ایران پس مانده غذای روسها را بخورند اما ستارخان را به والی گری آذربایجان بگمارند.

جناب کنسول! من می‌خواهم هفت دولت زیر سایه بیرق ایران باشد شما می‌خواهید من زیر بیرق روس بروم؟ هرگز چنین کاری نخواهد شد! ستار خان خطاب به کنسول روس در هنگام محاصره تبریز

خجالت بکشید. برای پس مانده خوار کردن ایرانیان باید اول از روی جنازه امثال این قلم و محمدرضا روحانی ها و محمد نوری زاده ها و میلیونها ایرانی وطن پرست که تفاقا در داخل هم هستند همانجا که خاوران هم هست!! و حتی همان اردشیر زاهدی و البته میلیونها ایرانی باشرف در خارج کشور رد شوید.

حق کردن سنگها

اجازه بدهید به مصداق های وطن فروش و اجنبی پرست یکبار برای همیشه گفته شود:

نگارنده اگر بزرگترین اشتباه و خیانتش به مردم ایران را نه بدلیل قدرت پرستی، و مقاصد ژورنالیستی پست و حقیر، بلکه بدلیل خامی جوانی و بی دانشی و هیجانان و شور دوران انقلاب ۲۲ بهمن از فاصله ۶۰۰۰ کیلومتری (بدلیل تحصیل در انگلستان و عدم حضور در میان مردم ایران از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۸۴) در جستجوی استقلال و خوشبختی و رفاه و آزادی و پیشرفت در شان ایرانی و در یک کلام "آرمانخواهی بدون دانش کافی"، برای کشورش، فریب شعارهای دروغین مسعودرجوی و تبلیغات رسانه های غربی حامی او را خورده باشد.

در عوض بالاترین افتخارش رفتن به ایران در پی شناخت مسیر اشتباه رفته شده، بعد از کسب تجربه و دانش اما به بهای سنگین عمر، جوانی، و هزاران بار ریسک مرگ و با ترکشهایی در بدن، و بعد از شناخت جنایتکاری چون رجوی و افکار داعشی او و حامیانش بوده است. و البته نیامدن مستقیم به خارج (صرفا برای راحت زندگی و خود چرانی در غرب) و تبدیل شدن به تفاله های وطن فروشی مانند کسانیکه که بخواهند مردم کشورشان پس مانده غذای آمریکا و اجانب را بخورند. و یا بخواهد که برای خواسته های حقیر فردی و در دلالی برای اجانب، کشورش مورد بمباران قرار بگیرد میداند.

افتخار به ایران رفتی که در آن کسب درک محضر مردم شریف ایران در حد خود، اینبار با نگاهی نه خام و بی دانش بلکه با تجربه عمیق سی ساله، و البته با تأثیر پذیری از خواسته های استقلال پرستانه مردم ایران بوده است. تنها رسالتی که برای خود قائل است، کار روشنگری جهت جلوگیری از تکرار افتادن جوانان ایران در دام شیادان، و دلالتن سیاسی ایران فروش است و نه چیز دیگر. مبارزه و تغییرات حکومت در ایران برعهده جوانان و مردم حاضر در داخل کشور است تا آنچه میخواهند برای کشور بخواهند و بدست بیاورند و سرنوشت خود را خود رقم بزنند که امروزه در هرکوجه و برزن شاهدیم که در داخل جریان دارد. اگر کاری از دست امثال این قلم بر آید، در حد توان ناچیز، مراقبیم که کسی از پشت به آنها خنجر نزد. و پس مانده خوار دیگر کشورهايش نکند.

در مورد داخل بودن اما، این گوی و این میدان و آن ۸۰ میلیون ایرانی داخل کشور و دهها میلیون ایرانی خارج کشور اگر خطایی در ایران علیه عالیترین منافع مردم ایران از نگارنده سرزده است برای مصداقهای وطن فروشی ارسال کنند تا شاید بتوانند برای جاده صافکنی جیره خوار آمریکا کردن مردمش مورد بهره برداری قرار دهد.

براستی از مصداقی باید سوال کرد تو که در قبال یک انتقاد به یکی از مواضع همچون رجوی عنان از دست داده و به چنین منجلابی سقوط میکنی، چرا در قبال ذرافشارنی ها و شکر خوردنهای بهبهانی که در ادامه بیشتر میآید نه تنها هیچ واکنشی نداری که تأیید هم میکنی؟ ناسیونالیست!! چرا بتدریج مواضع ات در حال نزدیک شدن به مواضع وطن فروشانه رجوی در آویختن به نئوکانها برای مداخله در ایران و عراق است؟ مگر همین اواخر در شو سکولار دمکراتها با بادی به غب غب مدعی نشدی که :

"کشتن جوانان ایرانی در مرزها توسط مسعودرجوی خیانت نیست چون مگر در انقلاب ۲۲ بهمن مردم مسلح شده در پادگانها سربازان ایرانی رانمیکشند!!!!!!!" مصداقی در جلسه سکولار دمکراتهای نوری علاء

این دقیقا اثرات منابر از نوع آخوندهای دوریالی بصورت منولوگ است. که طرف هیچ محدودیتی در کنترل دهانش ندارد و هیچ ارزشی هم به گفته هایش و مخاطبش نمیکند. استدلال دندان که هیچ فک شکن این موجود متوهم بی سواد سیاسی را مشاهده میکنید؟ در ادامه، ذرافشارنی های این زوج کوتوله فکری را خود از زبانشان بشنوید و قضاوت کنید. بی سواد، در مرزها رجوی در همدستی با دشمنان و اشغالگران کشور، جوانان مردم ایران را که برای دفاع از میهن به مرزها فرستاده بودند را میکشد. ولی در وسط تهران اگر همین جوانان در مقابل تعدادی فریب خورده در دام ارتش دست ساز آمریکایی که کاری جز حفاظت از سلطنتی که آمریکا بر ایران حاکم کرده بود و صاحبش نیز فراری بود، نداشت مقابله میکردند. واقعا رضا پهلوی چه مشاوره ای را از دست میدهد! بسیار برای رضا پهلوی که ایما اشاره هایت را نادیده میگیرید متأسفم! بس کن این میزان از یاهو سرایی را .

بهبهانی:

لان ایران در عراق چه نقشی را دارد بازی میکند. عراق ۴ ماههاست دولت ندارد. بهبهانی

جواب مصداقی:

بخاطر این نظام نکبت است. اینهمه بدبختی که در عراق است. اگر در عراق ثبات و امنیت نباشد یعنی در ایران هم نمیتواند باشد. ما همه بهم پیوسته ایم. ما نمی توانیم رشد بکنیم. درجائیکه عراق درش نا بسامانی و بد بختی باشد. همه این منطقه سرنوشت مشترکی دارد. مصداقی

پشتک وارو زدن در ده دقیقه، و اینهمه متناقض و ضد نقیض حرف زدن را والله ما از آخوند دو ریالی محل هم نشنیده بودیم. مگر دو دقیقه قبل نگفت: آمریکا رفته عراق را شخم زده، دولت با ثبات صدام که سکولار بوده و بنیادگرایی را کرده بود توی قوطی را سرتگون کرده. ثبات منطقه را از بین برده چون ثبات عراق ثبات ایران راهم بهم میریزد جلوی رشد را میگیرد. بدلیل درد مشترک. مصداقی

مگر نمیگویی این بی ثباتی روی ثبات ایران هم مستقیم اثر دارد، پس چرا اولاً آنرا مانند دشمنان کشور به گردن ایران می اندازی؟ در ثانی چرا دوباره دست بدامن آمریکا عامل بدبختی و عدم ثبات عراق و منطقه که روی بی ثباتی ایران هم مستقیم اثر دارد شده ای؟ و میخواهی به کشتار جوانان عراقی که میخواهند این عامل شخم زدن کشورشان از میهنشان خارج شوند، بپردازد؟ چرا به نقد ما به این خواسته ننگینت، که حالا دیگر باید گفت "فاشیستی" است، چنگ و دندان نشان میدهی؟ وقتی خودت به شخم خوردن عراق و بی ثباتی تاکید داری آنهم توسط آمریکا که به ایران نیز بی ثباتی داده است، پس هر حاکمیتی در ایران بود حق دارد نگران نا امنی در عراق باشد.

مصداقی همچون مسعود رجوی در راستای نئوکانها و عربستان و اسرائیل وانمود میکند داعش نتیجه عمل ایران است.

جنگهای نیابتی یکی از دلایل بوجود آمدن داعش در عراق، رژیم است. داعش در مقابل زیاده خواهی های شیعه و رژیم برای یکسره کردن عراق بوجود آمده. مصداقی

در این سناریوی دلالی، انوقت ناجی کیست؟ آمریکا! که ایرانیان باید پس مانده غذایش را بخورند و خدا را شکر کنند. داعشی که خود وزیر خارجه آمریکا خانم هیلاری کلینتون رسماً اعلام کرد که خودمان درستش کردیم. رئیس جمهور آرژانتین نیز در مجمع عمومی سازمان ملل طی سخنرانی طولانی عیناً همین حقیقت را به تفصیل بیان کرد. همه انسانهای با شرف و محققین و خبرنگاران مستقل ... این حقیقت را عنوان کرده اند. چرا زیاده خواهی ایران و شیعه در عراق را بهانه میکنند؟ مگر خواست ثبات عراق که ثبات ایران هم هست که آمریکا بهم زده خواست نا مشروعی است؟ چرا دروغها و پاوه های اسرائیل و عربستان و ... تکرار میکنند؟ نگاه کنید به کتاب بازی شیطانی رابرت دایفوس خبرنگار و برنده جایزه کتاب سال ۲۰۰۳ در مورد نقش آمریکا و انگلیس و سیاستهای کثیفی که از درون آن داعش بوجود آورد [P].

بهبهانی و فیلم اکشن زندگی ژنرال مک مستر و مظلومیت میلیتاریستهای جهان و نتایج اخلاقی میهن تی وی

بهبهانی با سوز دل از ماجرای که در یک فیلم دیده حکایت میکند :

فیلمی هست از زندگی یک ژنرال مک مستر. سرباز سپاهی هست که میگوید: چرا ما اینجا هستیم؟ ما که داریم پراشون [بعد از شخم زدن عراق] آب درست میکنیم. آمده ما را با تیر میزنند. خب ولشون کنیم آب نمیخواهند اینها. ژنرال: میگوید نه باید پراشون آب بیاوریم. خوب اینها خرابکاری میکنند برای اینکه ما را ضایع کنند. سرباز: آخه من رفتم موتور آب رو درست کنم پراشون لوله بکشم اینها ما را با تیر می زنند. ما که نیامدیم برای کار دیگری بکنیم!! بهبهانی

اگر تابحال با خانواده های یک نژاد پرست آمریکایی پای تلویزیون فیلمهای رامبو نشسته باشید. پسر ۷ساله خانواده عیناً همین تاثیر را از فیلمهای هالیوودی با سرمایه گذاری سیستم میلیتاریستی آمریکا میبندد. استدلال بهبهانی در توجیه شخم خوردن عراق متکی به فیلمی است در مورد ژنرال مک مستر نازنین و یک سرباز آنهم نوع سیاه پوستش که اگر بسمتش تیر زدند چون سفید پوست نیست، ترحم بیشتری برای میلیتاریستهای نژاد پرست جلب میکند، که بیچاره آمریکایی ها در حال کباب شدن برای مردم عراق هستند. آنوقت این کفار مانند شمر که بسمت حضر عباس تیر میاندازند بسمت یک سرباز آمریکایی (نه میلیتاریستهایی چون نتانیا، جولیان و مک کین و بولتن و پمپو!!!) خادم، آنهم از نوع سیاه پوستش تیر می اندازند. (گریه و شیون و بر سر و سینه زدن حضار پای منبر میهن تی وی برای طفلان مسلم ببخشید برای میلیتاریسم آمریکا و ژنرال مک مستر. و لعن و نفرین به تیر اندازدها). اما تیر اندازها کینده؟ حالا بهبهانی تیر انداز را نیز معرفی میکند.

بهبهانی:

اون کیه که [تیر] می زنه؟ ایرانی که داره می زنه؟ بهبهانی

مصداقی:

بله! مصداقی در گفتگو با میهن تی وی

گریه و شیون بیشتر حضار در جلسه و بالا گرفتن شعار مرگ بر تیر اندازان به گلوی باران امام حسین!!! این یعنی همان دلالی کردن برای میلیتاریسم یعنی حالا دیگر باید قاطعانه گفت **موضع فاشیستی** و نه حتی شبه فاشیستی.

سوال بهبهانی:

ما نفهمیدیم اگر بده خو همه اش بداست. نمی شه که یک ورش خوب باشد یک ورش بد باشد. بهبهانی

جواب مصداقی

بله دقیقاً: مصداقی

بهبهانی:

اگر مقابله با نیروی خارجی عرق ملی است خوب با ایران هم باین همین کار را کرد همین مناسبات را داشته باشیم. نمی توانی که یکطرفش خوب یکطرفش بد باشد. بهبهانی

به این زوج خوشبخت بحر العلوم و اقیانوس استدلال باید گفت، عرق ملی احساسی است مربوط به واکنش مردم مثلاً عراق نسبت به تجاوزی خارجی به کشورشان. اگر آنها با نیروی خارجی هرکس که باشد مقابله کردند حقشان است. ولی تو کی هستی که از آمریکا، بخوای نیروهای عراقی را که خواستار خروج متجاوز آمریکایی هستند را نبود کنند. شیر فهم شد؟ مصداقی:

پمپو قصد دارد مسئله [پرتاب ماهواره] را به شورای امنیت ببرد. پمپو متخصص اینکاره، فارغ التحصیل حقوق بین الملل است از هاروارد. بسیار بسیار آدم متخصصی است در این زمینه ها. مصداقی و تمجیدش از پمپو

سینه چاک کردن و آب از لب و لوجه مصداقی راه افتادن مشمنز کننده اندر تعریف و تمجید از علم و دانش یک میلیتاریست بخاطر مدارک هاروآدش و تبلیغ برای محاسن او را مشاهده میکنید.

بهبهانی:

اینکه ترکی الفیصل میگوید داعش و القانده را ما درست نکردیم معلوم است که دارد دروغ میگوید خوب اینها درست کردند. بعد از ماجرای مکه بهبهانی

مصداقی:

اگر با کسی مخالفی نقد کنید ولی تحریف نکنید. حرف یکنفر را برگردانید، قاطعاً بازی در نیاورید. شما مخالفی از راه شرافتمندانه نباید به هر وسیله ای استفاده کنی! مصداقی خطاب به نگارنده

معنی شرافتمندی را نیز فهمیدیم. که باید از فیلم زندگی مک مستر یاد بگیریم!! و از هر وسیله ای استفاده نکنیم. به کسی تیر نزنیم که آب برایمان میخواد درست کند. در کجای لجن پراکنی مصداقی اشاره ای به محتوای تحریفی که مدعی است صورت گرفته است شده بود؟ حتی یک کلمه هم در تحریف ادعایی او وجود داشت؟ ولی فقط برای چفت و جور کردن دجالانه و ژورنالیستی ته جمله اش را بعد از اینهمه فحاشی میخواد حق بجانب ببندد. اینهم از اثرات آنتنی بودن و پیچیدگی ادعایی این مصداق خود شیفتگی رجوی گونه است.

داود باقروند ارشد
10 ماه می ۲۰۲۰
21 اردیبهشت ۱۳۹۹

پانویشتها:

[A] ایلو یا ایللو Othello یا تراژدی ایلو مغربی و نیز عنوان نمایشنامه‌ای عاشقانه و تراژیک اثر ویلیام شکسپیر است که در حدود سال‌های ۱۶۰۳-۱۶۰۴ میلادی نوشته شده است. این نمایشنامه بر اساس داستانی به نام کاپیتان مغربی (۱۵۶۵ م)، نوشته سینسیو، نویسنده ایتالیایی، نگاشته شده است. در این نمایشنامه شکسپیر به مضمون خیانت در عشق می‌پردازد. در این تراژدی، ایلو (نام دیگرش «مغربی» است)، شخصیت اصلی مرد داستان که فرماندهی مغربی در ارتش و نیز است، به تحریک یکی از زیردستانش به نام «ایگو»، به وفاداری همسر خود «دزیمونا» شک می‌کند و بی آنکه مسئله را با زن در میان بگذارد، بی‌رحمانه او را می‌کشد. اما بعد از قتل به بی‌گناهی همسر وفادارش پی می‌برد که بسیار دیر است؛ در نتیجه دست به خودکشی می‌زند.

[B] ما اگر از کار شرافتمندانه‌ای که بدلیل دین و وظیفه میهن پرستانه خود نسبت به ایران و مردم ایران فقط و فقط یک از هزار تجاربانان از این فرقه مافیایی و ضد ایرانی را بدون کمترین کم و کاستی به اطلاع مردم ایران و جهان میرسانیم. این احساس دین بدلیل شراکت در جرایمی است که مسعود رجوی علیه ایران و ایرانی مرتکب شده <https://www.nototerrorism-cults.com/?p=20481>.

افراد همچون مهدی تقوایی بزرگترین ایرادشان این بود که جهان فکریشان دچار یک فیکسیم صلب و سخت بود که در کار سازمانی و بیگانه با حقوق بشر و آزادی فکر و اندیشه تبلور می‌یافت و به همین اعتبار علیرغم اینکه مهدی مخالف جدی مسعود رجوی و کودتای او بود اینرا در درون تشکیلات و بعد ها علنی نکردند. تا ما جوانترها یاد بگیریم که یک انقلابی قبل از همه و بیش از همه باید معترض باشد تا دیکتاتور پذیرد <https://www.nototerrorism-cults.com/?p=20286>. آیا نباید قبول کرد (جدای از مسئولیتهای فردی هرمجاهد، و شرایط مطلق حقیقتان و بی خبری چهل ساله درون فرقه ای و اینکه در خدمت صدام و عربستان و آمریکا بکارگرفته شده اند) تا آنجا که به نیروهای مجاهد برمیگردد، عمری را برای آزادی به مبارزه گذرانده اند؟ <https://www.nototerrorism-cults.com/?p=19972>

باید برای خروج از کوری فکری رجوی ساز، از تاریکی و جهل رجوی ساخته، توهمات چپ نمایانه و خود شیفتگیهای بیمارگونه ای همچون «مبارز آزادی»، «گل سر سبد مبارزین»، «لم یرتابو»، «مقاوم»، «زندانی شکنجه شده» ... و جهت روبرو شدن با واقعیات، یعنی نگاه مردم ایران به مسعود رجوی و همه شریک جرمهایش (اعضای مجاهدین) با همه القاب رجوی ساخته، فاصله گرفت <https://www.nototerrorism-cults.com/?p=20085>.

[C] ماهواره ای که پرتابش صفوف دوست و دشمن را روشنتر کرد، نقدی بر مواضع ایرج مصداقی...
چنانبات تکانه‌دهنده جدیدی از مسعود رجوی علیه نزدیکانش "مادر عالمه" و تلاش برای سرپوش گذاشتن بر همخوابگی رجوی با زنان... ایرج مصداقی:
"اگر بین ایران و آمریکا جنگ شود من در کنار هیچکدام نمی ایستم... مال یا چیزی را که خداوند آن مرده باشد و تذکر ایرج مصداقی... چرا سیستم ناتوان از حل مسئله فساد سیستماتیک است؟ - نمونه ولی فقیه و نماینده اش در گیلان ایرج مصداقی... چرا مسعود رجوی شهادت دادن مجاهدین در دادگاه سوئد علیه حمید نوری را ممنوع کرده است؟ نامه‌ی شریانه‌ی نماینده‌ی مریم رجوی به «کانون دوستداران فرهنگ ایران» در واشنگتن

[D] دستور نخست‌وزیر نوری مالکی نخست‌وزیر وقت عراق که فرماندهی نیروهای مسلح را نیز بر عهده داشت، طی حکمی فرمان تشکیل بسیج مردمی عراق برای رویارویی با تهدید داعش و جلوگیری از حمله به بغداد را صادر کرد. پس از این فرمان، نیروهای مردمی، بویژه با حضور کسانی که تجربه نظامی داشتند، شکل گرفت و به میدان جنگ با داعش روانه شد.

فتوای آیت‌الله سیستانی
سه ماه پس از شروع فعالیت حشد شعبی، آیت الله سیستانی مرجع شیعه در نجف به وجوب کفای جهاد، فتوا داد و از همه کسانی که توانایی جنگیدن داشتند، دعوت کرد، در کنار نیروهای ارتش به مقابله با داعش پردازند. این فتوا نقش بسزایی در ترغیب مردم به پیوستن به حشد شعبی داشت و به آن، مشروعیت بخشید. مشروعیت قانونی

در سال ۲۰۱۵ هیئت وزیران عراق تصویب کرد که سازمان حشد شعبی، سازمانی رسمی و مرتبط با نخست‌وزیر است. در پی این مصوبه این نیرو به‌صورت رسمی، بخشی از ساختار نیروهای مسلح عراق محسوب و وابسته به فرمانده کل نیروهای مسلح شد.

[E] گفته خود ایرج مصداقی در همین میهن تی وی که در متن مقاله فوق آمده است.

[F] نوری مالکی نخست‌وزیر وقت عراق که فرماندهی نیروهای مسلح را نیز بر عهده داشت، طی حکمی فرمان تشکیل بسیج مردمی عراق برای رویارویی با تهدید داعش و جلوگیری از حمله به بغداد را صادر کرد. پس از این فرمان، نیروهای مردمی، بویژه با حضور کسانی که تجربه نظامی داشتند، شکل گرفت و به میدان جنگ با داعش روانه شد. فتوای آیت‌الله سیستانی سه ماه پس از شروع فعالیت حشد شعبی، آیت الله سیستانی مرجع شیعه در نجف به وجوب کفای جهاد، فتوا داد و از همه کسانی که توانایی جنگیدن داشتند، دعوت کرد، در کنار نیروهای ارتش به مقابله با داعش پردازند. این فتوا نقش بسزایی در ترغیب مردم به پیوستن به حشد شعبی داشت و به آن، مشروعیت بخشید. مشروعیت قانونی. در سال ۲۰۱۵ هیئت وزیران عراق تصویب کرد که سازمان حشد شعبی، سازمانی رسمی و مرتبط با نخست‌وزیر است. در پی این مصوبه این نیرو به‌صورت رسمی، بخشی از ساختار نیروهای مسلح عراق محسوب و وابسته به فرمانده کل نیروهای مسلح شد.

[G] کسروی احمد، تاریخ مشروطه ایران، چاپ چهارم ۱۳۹۷، انتشارات هرمس صص ۸۶۶-۸۶۷، پشتیبانی علمای نجف. [فتوای مراجع تقلید نجف "همراهی با مخالفین مشروطه و اطاعت حکمشان در تعرض به مجلس خواهان به منزله اطاعت یزید بن معاویه است" را در مخالفت با به توپ بستن مجلس و در محاصر و

گرسنگی دادن به تبریزستارخان هم گفتند "رفتن به سر تبریز به منزله جنگ با امام زمان و بستن راه خوارو بار برای ان شهر در حکم بستن آب فرات به روی اصحاب سیدالشهدا" میباشد. ستارخان نیز همواره میگفت "من حکم علمای نجف را اجرا میکنم"

[H] <https://www.dw.com/fa-ir/opinion/a-47490812>: دیدار فرح پهلوی با آیت الله خویی. هدف از سفر فرح پهلوی به نجف، جلب حمایت خوبی از پادشاه ایران و صدور بیانیهای در این زمینه بود، ولی او از دادن هر بیانیه علنی که بتواند در بسیج مردم برای پشتیبانی از شاه مورد استفاده قرار گیرد خودداری کرد.

[I] چه فرقه است بین ایران و آمریکا در اشغال عراق، در نابودی عراق، اونجا را توضیح بده. کدامش بهتره. اگر آمریکا بیاد و بره تو مملکتی کارخانه بزنه، فلان بکنه بچاپه و ببره بالاخره از بغل دهن ماهی بزرگتر می ریزه ماهی کوچیکها هم میخورن. یا یک مشت گشنه یا غربتی بیابند و نابود کنند مملکت رو چرا آنجا خوب است اینجا بد است اینها را نفهمید!!! مصداقی: آخه این هرچی داره از حمله آمریکا به عراق داره،

[J] مقاله "گروگانگیری سفارت آمریکا مبارزه ضد امپریالیستی یا زهر ماندگار مسعود رجوی و چپ بر تن و جان ایران زمین" از این قلم در نقد ضدیت کور با آمریکا و ابعاد فاجعه آمیز صدمات آن به ایران روشنگر است. ضمناً دلیل نهایی خروج و فرار نگارنده از فرقه رجوی حمایت رجوی از تروریسم القانده در ۱۱ سپتامبر بوده است. چندین بار در نوشته های نگارنده آمده از جمله در مقاله قسمت پنجم: تروریسم مسعود رجوی در عراق و تبعات جهانی آن، در زیر تیتر "رجوی و حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر" آمده است که همان در صحنه جشن مسعود رجوی نگارنده اعتراضش را به عباس داوری اعلام میکند.

[K] Adams John 1932 History of United States of America Vol. IV P81-82. Albert J. Beveridge March of the Flag. Address to an Indiana Republican Meeting, Indianapolis, Indiana

[L] نگارنده که توسط رجوی به ده سال زندان محکوم شده بود و با اشغال عراق و به اسارت در آمدن همه فرقه از جمله نگارنده، خود را همانند بیش از هزار اسیر دیگر در فرقه رجوی، (برای نجات از زندان رجوی) به نیروی اشغالگری که یک کشور را اشغال میکند، که طبق کنوانسیون ۴ ژنو مسئول جان تمامی شهروندانی است که در اسارتش هستند، معرفی مینماید. تبدیل اسارت دو لایه به یک لایه و رفتن به تیغ زندان موقت خارج از حیطه رجوی اما چسبیده به اشرف. قدر شناس این آزادی از بند رجوی بقیمت شخم خوردن عراق نیست!!! یعنی نابودی کشوری را چون باعث نجات فرد از اسارت رجوی شده را تأیید کند!!!

[M] کسروی احمد، تاریخ مشروطه ایران، چاپ چهارم ۱۳۹۷، انتشارات هرمس صص ۸۶۶-۸۶۷، پشتیبانی علمای نجف. [فتوای مراجع تقلید نجف "همراهی با مخالفین مشروطه و اطاعات حکمشان در تعرض به مجلس خواهان به منزله اطاعت یزید بن معاویه است" را در مخالفت با به توپ بستن مجلس و در محاصر و گرسنگی دادن به تبریزستارخان هم گفتند "رفتن به سر تبریز به منزله جنگ با امام زمان و بستن راه خوارو بار برای ان شهر در حکم بستن آب فرات به روی اصحاب سیدالشهدا" میباشد. ستارخان نیز همواره میگفت "من حکم علمای نجف را اجرا میکنم"]

[N] همانجا

[O] <https://www.dw.com/fa-ir/opinion/a-47490812>: دیدار فرح پهلوی با آیت الله خویی. هدف از سفر فرح پهلوی به نجف، جلب حمایت خوبی از پادشاه ایران و صدور بیانیهای در این زمینه بود، ولی او از دادن هر بیانیه علنی که بتواند در بسیج مردم برای پشتیبانی از شاه مورد استفاده قرار گیرد خودداری کرد.

[P] کتاب بازی شیطانی انگلیس و آمریکا که از درون آن داعش پدید آمد: رابرت درایفوس "Robert Dreyfuss" نویسنده کتاب "بازی شیطانی" سالها به عنوان خبرنگار دست اندرکار پژوهش و نوشتن مقالات تفصیلی درباره رویداد های سیاسی، اقتصادی و مسائل مربوط به امنیت ملی آمریکا بود و در این کتاب به سیاست کثیفی اشاره میکند که از درون آن داعش پدید آمد که انگلیسی و امریکائی ها از سالها پیش آنرا طراحی کرده بودند و آنچه می خوانید خلاصه ایست از نظراتی که درایفوس پیرامون انگیزه نوشتن کتاب "بازی شیطانی" مطرح کرد و در مطبوعات آمریکا منتشر و سپس توسط راه توده ترجمه و انتشار یافت.

مقالات درایفوس درباره نقش نفت در حمله آمریکا به عراق برنده جایزه در سال ۲۰۰۳ شد و هدف نویسنده در سالهای بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، تحقیق و بررسی و نوشتن مقالات پرشماری درباره حمله آمریکا به عراق و افشای اشخاصی چون احمد چلبی و نهادهای پنهانی، اداره طرحهای ویژه پنتاگون و برنامه محافظه کاران نو برای خاورمیانه، جاسوسی های اقتصادی سازمان سیا، قرار داد های صدها میلیارد دلاری پنتاگون با کارخانه های اسلحه سازی بوده و نویسنده، انگیزه خود در نوشتن کتاب بازی شیطانی را چنین خلاصه میکند:

من در این کتاب قصد داشتم به بخشی از این سؤال پاسخ دهم که چرا دولت آمریکا و بسیاری از متحدینش بیش از ۵۰ سال جناح راست اسلامی را به عنوان شرکای مطلوب در جنگ سرد برای خود انتخاب کردند. برخورد من در این کتاب به صورت یک مورخ نیست، بلکه به عنوان یک خبرنگار است. بخش وسیعی از کتاب بر پایه مصاحبه های طولانی با شمار زیادی از ماموران با سابقه وزارت خارجه، سازمان سیا، پنتاگون و رهبران بخش خصوصی است که در بسیاری از رویدادهای نیم قرن اخیر شرکت فعال داشته اند. . . . تقریباً همه افرادی که با آنها مصاحبه کرده ام مطالبشان علنی و مستند و همه وقایع مندرج در کتاب همراه با ذکر منابع موثق است.

در این کتاب نشان داده میشود که از چند دهه قبل از یازده سپتامبر، متعصب و کار کشته ترین فعالان سازمان های اصول گرای اسلامی بویژه جناح افراطی آن اکثراً به دو دلیل به عنوان متحدین دولت های انگلیس و آمریکا مورد استقبال قرار می گرفتند: اول آنکه ضد کمونیست هایی سرسخت و بیرحم بودند. دوم آنکه مخالف ملی گرایان غیرمذهبی، سکولار مانند جمال عبدالناصر در مصر و دکتر مصدق در ایران بودند. در سالهای دهه ۱۹۵۰، ایالات متحده فرصت آن را داشت که با ملی گرایان کنار بیاید و بسیاری از سیاستمداران آمریکا هم در واقع چنین پیشنهاد میکردند، اما سرانجام ملی گرایان جهان سوم برای شرکت در مبارزه علیه شوروی به عنوان افراد و نیروهای غیرقابل اعتماد کنار گذاشته شدند و در عوض به سالهای پایانی دهه ۱۹۵۰ که میرسیم ایالات متحده به جای آنکه دست اتحاد به سوی نیروهای ترقی خواه غیرمذهبی در خاورمیانه و کشورهای عربی دراز کند متحد نیروهای ارتجاعی اسلام گرای عربستان گردید و در نتیجه دولت آمریکا به جای دوستی با جمال عبدالناصر عهد اتحاد با خاندان سعودی بست.

مسئله دوم که در کتاب آشکار میشود این است که در دهه ۱۹۵۰، در اوج جنگ سرد و مبارزه بر سر کنترل خاورمیانه، ایالات متحده از رشد سریع دست راستی های اسلامی در این منطقه از مصر گرفته تا افغانستان پشتیبانی کرد. در مصر، انورسادات به اخوان المسلمین دوباره اجازه فعالیت آزادانه داد. ایالات متحده، اسرائیل و اردن از جنگ اخوان المسلمین علیه دولت سوریه حمایت کردند. افزون بر آن برای نخستین بار، کتاب این واقعیت را افشا میکند که دولت اسرائیل به احمد یاسین و اخوان المسلمین در کرانه غربی و نوار غزه کمک کرد تا گروه حماس را به وجود آورد. آمریکا از جهادگران اسلامی در افغانستان حمایت کرد. این نوع پشتیبانی از مدتها پیش از دخالت شوروی در افغانستان در سال ۱۹۷۹ آغاز شده بود و ریشه های آن برمیگردد به فعالیتهای مخفیانه سازمان سیا از دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در افغانستان. رشد اسلام گرایان دست راستی در افغانستان منجر به جنگ داخلی در آن کشور و در سالهای دهه ۱۹۸۰ و روی کار آمدن طالبان و آغاز فعالیت اسامه بن لادن برای به وجود آوردن القاعده شد. آیا دست راستی های اسلامی بدون پشتیبانی دولت آمریکا میتوانستند وجود داشته باشند؟